اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
بمناسبت سی‌وهشتمین سالگرد تاسیس حزب تودهٔ ایران

۳۸ سال نبرد پیگیر در راه کسب استقلال ملی، آزادی و تامین خواست‌های زحمتکشان!

در صفحه ۳

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۵۶
سه‌شنبه ۱۰ مهر ۱۳۵۸ - تک‌شماره ۱۵ ریال

امام خمینی گفت:

زیربار ظلم نروید و هشیارانه نقشه‌های شوم جهانخواران بین‌المللی را، که در رأس آنها امریکاست افشاکنید.

(ازپیام امام به‌کنگره جهانی‌حج)

تبریک

هیئت تحریریه «مردم»، سی‌وهشتمین سالگرد تاسیس حزب تودهٔ ایران، حزب طبقه کارگر ایران، رابه‌رفقای‌حزبی، به‌هواداران ودوستان‌حزب‌صمیمانه تبریک میگوید وموفقیت آنان‌را در مبارزه بخاطر پیشبرد مشی حزب، درراه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم‌ایران آرزومنداست.

مبارزه «مردم» همراه مردم در دفاع از انقلاب ادامه دارد

در ۲۹ مردادماه ۱۳۵۸، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران، بدستور دادستان سابق انقلاب مرکز توقیف شد. بدون کوچکترین دلیل. واین واقعیت را حتی مخالفان سیاسی و ایدئولوژیك، ولی واقع‌بین ومنصف حزب مانیزتایید کردند. وهمین واقعیت تاسف ونگرانی عمیق وهمدردی همه هواداران آزادی، همه وفاداران به انقلاب بزرك مردم ایران را، صرفنظر از تفاوتهای سیاسی ومسلکی، موجب‌گردید.

درواقع هم چه ایراد واتهامی میتوان به «مردم» وارد ساخت؟ «مردم» که دهها سال بااصولیت، باقاطعیت وبا پیگیری علیه امپریالیسم، ارتجاع واستبداد سلطنتی، بخاطر استقلال، آزادی وعدالت و در دفاع از زحمتکشان و محرومان مبارزه کرده، «مردم» که انقلاب‌ضد امپریالیستی، دمکراتیك وخلقی ایران وتشکیل جمهوری اسلامی‌ایران، برهبری امام خمینی، را تهنیت گفته وتایید کرده وپس‌از سی‌سال انتشار مخفی ــ که‌به «جرم» همین مبارزه‌بوده ــ در دوران پس‌از پیروزی انقلاب بطورعلنی انتشار یافته و به دفاع ازدستاوردهای انقلاب پرداخته، درراه تثبیت و تحکیم وگسترش انقلاب کوشیده، ازچهره ضدانقلاب ـ یعنی عوامل امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی ـ زیر ماسکهای «چپ» و راست پرده برداشته، ازحقوق ومنافع زحمتکشان ومحرومان‌جامعه دفاع‌کرده، به‌انتقاد سازنده ازنقائص دستگاههای اجرائی و تصمیم‌گیرنده پرداخته، پیشنهادهای سازنده برای غلبه بر مشکلات سیاسی، اقتصادی واجتماعی در دوران گذار ارائه داده وتمام نیروی خودرا برای‌متحد ساختن نیروهای‌خلق، نیروهای انقلابی وهمه هواداران راستین استقلال وآزادی ایران بکار برده ـ آری، **ازموضع انقلابی**، به‌این «مردم» چه ایراد واتهامی میتوان وارد ساخت؟ هیچ!

براساس همین واقعیت، خوشبختانه اینك از«مردم» رفع توقیف بعمل آمده و«مردم» میتواند پس‌ازیك وقفه ناخواسته، به‌مبارزه انقلابی‌واصولی خود، همراه مردم‌ایران، یعنی سرچشمه‌زندگی، دوام وقدرت «مردم»، دردفاع‌ازانقلاب وتثبیت وتحکیم وگسترش آن ادامه دهد.

«مردم»، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگرایران، زبان‌کارگران‌وزحمتکشان وهمهٔ‌محرومان جامعه، ندای بخش‌ازوفادارترین نیروهای انقلاب ایران، صدای بخشی از پیگیرترین واصولیترین نیروهای ضد امپریالیستی وضد ارتجاعی‌ایران است. همه کسانیکه‌صادقانه وصمیمانه به‌انقلاب ایران وفادارند، همه علاقمندان صدیق استقلال، آزادی وعدالت، در دوران توقیف بدون دلیل «مردم»، بیش‌از گذشته درك‌کردندکه انتشار «مردم»بسود انقلاب و عدم انتشار «مردم» بزیان انقلاب است. بویژه‌در شرایط حساس‌وبغرنج‌کنونی کشور ما، این‌واقعیت بیش‌از گذشته درك‌شد.

اینك که «مردم» باردیگر انتشار مییابد، از همه اعضاء، هواداران‌ودوستان حزب، ازهمه کسانیکه،صرفنظر ازعقاید سیاسی ومسلکی خود، ازتوقیف بدون دلیل «مردم» ابرازتاسف‌کرده وهمبستگی‌خودرا با «مردم» اعلام‌داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم وتجدید پیمان میکنیم‌که «مردم»، استوار وبی‌تزلزل، مانند همیشه، به‌مبارزه انقلابی واصولی خود دردفاع از انقلاب‌ایران وبرای تثبیت، تحکیم‌وگسترش آن ادامه خواهد داد.

ماا‌طمینان داریم که‌دراین مبارزه مردم، مانندهمیشه یار وپشتیبان «مردم» خواهند بود.

نطق فیدل کاسترو در کنفرانس کشورهای غیر متعهد

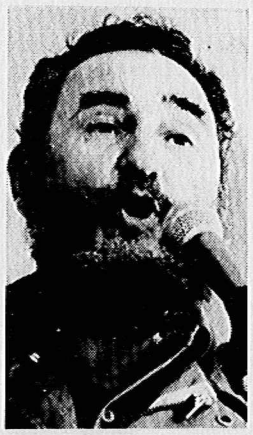

رفیق فیدل کاسترو رهبرانقلابی‌خلق‌قهرمان کوبا، بعنوان رئیس ششمین کنفرانس کشورهای غیرمتعهد، که‌اخیرا در هاوانا، پایتخت کوبای سوسیالیستی تشکیل شد، نطق بسیار مهم وجالبی ایرادکرد. از آنجاکه متن کامل این نطق درهیچیك از جرائد ایران انتشار نیافت، مابعلت اهمیت آن، ترجمه متن کامل نطق فیدل کاسترو را درچند شماره به‌اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم. صفحه ۲

دربارهٔ مجلس خبرگان و مصوبات آن

مجلس خبرگان، عملا ازکار اصلی خود، که بحث‌پیرامون پیش‌نویس قانون اساسی منتشره در خرداد ۵۸ بود، بدور افتاده است. درقسمت عمده واصولی موادی که تاکنون مورد بحث وتصویب قرارگرفته، زیر فشار یك‌گروه نیرومند، متن اولیه که بنظر مردم گذاشته شده بود، بکناری‌نهاده شده ومطالب ومواد‌بکلی تازه یابه‌حد قابل توجه تازه‌ای جانشین آن شده است.

مردم بامتن اولیه آشنا شده بودند، پیرامون آن‌متن بحثها واظهار نظرها درمقیاس کشوری سازمان یافت، وازآن مهمتر، انتخابات مجلس خبرگان برای بحث پیرامون آن متن انجام گرفت، نه‌برای تهیه متن‌جدیدی، واسم آنهم «مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی» بود، نه‌مجلس مؤسسان تدوین متن جدید قانون اساسی. این راهم اضافه کنیم‌که مقامات سرشناس وموثری نظیر آقایان قطب زاده وبنی‌صدر، که به‌مرکز رهبری نزدیك‌اند وصاحب مسئولیتهای معینی نیز هستند، صراحتا گفتند وتاکیدکردندکه شخص امام خمینی پیش نویس را مطالعه کرده وبجز دوتذکر در مسائل فرعی، کلا آن پیش‌نویس را مورد تأیید قرار داده‌اند. باینترتیب عملا نحوه کارمجلس خبرگان، که ترك‌پیش ــ نویس قبلی است، نه‌فقط میتواند همه‌گونه تردید ونگرانی بیافریند، بلکه ازنظر حقوقی نیزقانونیت ثمرهٔ‌کار نمایندگان رازیر علامت سؤال قراردهد.

بدرازاکشیدن کارمجلس خبرگان یکی‌از نتایج این‌کنار گذاشتن پیش‌نویس اولیه و تدوین عملی متن جدید است. مهمتر آن‌که، دراین میان گروه نیرومندی دراین مجلس، بااین عوض کردنها وجایگزین کردنها، عملا تلاش‌کرده وموفق هم‌شده است که تاکنون‌متنی را تهیه کند فاقد تعهددربارهٔ اساسی‌ترین موازین آزادیهای فردی واجتماعی، یابدون‌صراحت وضمانت، بدون تضمین‌آزادیهای‌اساسی دمکراتیك، یامبهم وکشدار، فارغ‌ازتضمین‌جدی حقوق ومنافع توده‌های زحمتکش دهقانان وکارگران زنان واقلیتها وملیتها، یاقابل تفسیر وتأویل.

نکات‌مثبت وشالوده‌های درست پیش‌نویس قانون اساسی خرداد ماه، که‌میتوانست پایه محکمی برای بهبود آن وتنظیم یك قانون اساسی مناسب وشایسته جمهوری اسلامی ودرخور انقلاب بزرك‌مردم ایران باشد، زیرنام وبهانه «اسلامی‌کردن‌قانون‌اساسی»، بتدریج وگام‌بگام بکناری نهاده شده ومیشود و تنها بندرت وباستثنا برخی‌نکات مثبت باقی میماند، یاآشکارا تحریف نمیشود.

همهٔ اینها خود نمونه‌ای ازچرخش به‌راست درمجموعه سیاست داخلی‌کشور است که توسط‌یك گروه افراطی راست‌گرا تحمیل شده، ودرصورت ادامه، بدون تردید نتایج خطرناکی برای سرنوشت انقلاب بهمراه خواهد داشت. شادروان طالقانی، مجاهد روشن‌بین وانقلابی پیگیر، خیلی زود و با نظر صائبی این مشی راستگرایانه را که‌برمجلس‌خبرگان‌حاکم شده و پیش‌نویس قانون اساسی را در معرض تحریف وتغییر قرارداده است، دید وعدم شرکت فعالش درکارهای مجلس نشانی بود ازنارضائی بحق‌و نگرانی جدی‌ایکه این مجاهدکبیر داشت وتوجه همکاران را به‌آن جلب میکرد.

خطریکه پیش‌نویس قانون‌اساسی راتهدیدمیکرد، ازهمان‌روزهای اول تشکیل مجلس خبرگان برملاشد. اول‌شهریور، بلافاصله‌پس ازحمله‌به‌بسیاری ازاحزاب‌وگروههای سیاسی و بستن بسیاری از روزنامه‌ها وجراید، که خودنمونه بارزپیشبرد گرایش‌براست‌بود، مسئله‌کنارگذاشتن طرح‌اولیه‌پیشنهادی به‌مردم، که‌وکالت نمایندگان برای‌بحث‌درباره آن‌واعتبارنامه آنها تنها برای بررسی آن بود، مطرح شد. طی‌بحث معلوم‌شد، که ازروزسوم تشکیل، مجلس‌عملاطرح اولیه رادرکرده‌است. آقای‌اردبیلی درروز

بقیه‌درصفحه ۲

فرخنده‌باد سی‌وهشتمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران!

درباره مجلس خبرگان ومصوبات آن...

بقیه از صفحه ۱

چهارم(اول‌شهریور) گفت،«اما بالاخره آن‌متنی بود که دراختیار مردم گذاشته‌شده بود ودرایران‌منتشرشده بودحتی بخارج برده شده‌بودومراجع روی‌آن نظرداده‌اند، حالابیائیم بگوئیم این‌حرفهادرست نبوده»، آقای فاتحی گفت، «نظرمن‌هم اینست که همان‌متن‌منتشره مبناقرارگیرد، زیراهم‌آقایان وهم‌مردم نسبت بآن آشنائی‌بیشتری دارند.» آقای سحابی گفت، «پیش‌نویس منتشره‌ازچند مجراربررسی وتصویب شده، این‌چیزی بودکه به‌مردم داده‌شده وگفته‌شده‌است که‌مجلس باین‌پیش‌نویس رسیدگی میکند. بنابراین انتظارجامعه اینست که باین‌پیش‌نویس رسیدگی‌شود.»

ولی در عمل این سخن به‌کسی نگشت. درواقع نیز مجلس‌خبرگان با فاصله گرفتن از متن پیش‌نویس اولیه، که به‌بحث‌عمومی گذاشته‌شده‌بود، وخودمجلس خبرگان اصولا برای بررسی‌آن ونه‌چیز دیگری برگزیده‌شده بود، مشروعیت‌خود، مقبولیت‌خود وقانونیت مصوبات خود را متزلزل ساخت اصراریکه توسط گروه‌نیرومندی هست‌تا نه‌فقط گروههای‌سیاسی، بلکه‌گروههای مذهبی نیزامکان‌مساوی برای‌بحث واظهارنظر نداشته‌باشند، نویدبخش‌آینده‌ٔ روشنی‌نیست. خوف‌آن هست که تغییراتی که‌امروز واردمی‌شود، محدودیتهائی که امروزدرنظر گرفته‌میشود، ضربتی‌که امروزبر موازین اساسی آزادی و خواستهای مردم‌زحمتکش زده‌میشود، فردازمینه‌ای‌برای‌دوستداران قدرت‌نمائی وانحصارطلبی‌وواپستگان به‌مراکزغارتگری سرمایه‌داری وابسته‌امپریالیستی قرارگیرد.

هواداران راستین وپی‌گیر انقلاب‌بحق می‌پرسندکه، آیافردا دیواراستبداد و آزادی‌کشی بر خشتهای مخدوشی‌که امروزنهاده میشود، بالانخواهدرفت؟ تمام خوف وتمام نگرانی از اینجا ناشی میشود، زیراصحبت‌برسراساسی‌ترین سندجمهوری اسلامی، برسرمهمترین گام درراه‌ایجادنهادهای این نظام‌نوبجای نظام‌پوسیده سلطنتی سرنگون‌شده‌است. این‌حرف ونگرانی‌راشخصیتهای مختلفی‌خاطرنشان ساخته‌اند که‌آخرینشان آقای‌دکتربنی‌صدراست. وی‌درخود مجلس‌خبرگان اظهارداشت، «بتدریج که‌جلو مردم، ظاهراً درافکارنسل‌جوان این‌مسئله تداعی میشود که‌نوعی استبداد قدم بقدم درقانون اساسی پیشروی میکند. آن‌پیش‌نویس متن‌واضحی بود وشماامورای راضافه کردیدکه«کش» دارد.

البته مسئله تنهااضافه‌کردن وکش‌دارکردن مطلب‌نیست، بلکه گرایش‌افراطی صریحی‌است که باتعویض پیش‌نویس، ازموضع انحصارطلبانه ومحدودکننده آزادیها، مهرخود را برمتن جدیدمیگذارد، چرخش آنگاراباین‌است که‌قدرت‌انقلاب شکوهمند مردم‌ایران راذیرعلامت‌سئوال قرارمیدهد.

یك برخورد مشخص، اگرچه اجمالی، به‌مواد پیشنهادی درمتن پیش‌نویس وبه‌متن جدیدی که مجلس خبرگان تاکنون‌تصویب کرده نشان میدهد که‌نمیتوان‌ادعاکردکه‌متن‌جدیدمصوبه‌درخورانتظاراتی است‌که از اساسی‌ترین سند قانونی جمهوری اسلامی ایران میرود، متنی است‌که شایسته انقلاب بزرك مردم ایران است.

چندماده اول، که درحکم اصول‌کلی است، نمونه‌ایست ازطرزتلقی نادرستی‌که درزمینه «اسلامی بودن» جمهوری وچگونگی انعکاس این مسئله درقانون اساسی وجود دارد. درواقع مطالب‌جدیداضافه شده‌وتغییراتی‌که وارد شده، بنام «اسلامی‌کردن» نه‌فقط موادمغلق‌وپیچیده‌ای راکه تقریباًبرای‌اکثریت مردم غیرقابل فهم‌است، عرضه داشته، بلکه دست به‌کاری زده است‌که ازنظر بسیاری ازناظران مذهبی‌و فقهاء فقط ناآزمن، بلکه‌ناصواب است وآن اینکه‌کوشش شده احکام دینی والهی‌را، که‌نیازی بتسجیل قانونی ندارند وقدرت ونفوذشان دراین نیست که‌بصورت قانون مدون شده باشند، درموادمختلف«پیاده کنند» وبقول یکی ازخبرگان «تنزیل دهند».

درماده‌اول پیش‌نویس نوشته شده بودکه‌حکومت‌جمهوری اسلامی است‌که ملت‌ایران درپی‌انقلاب پیروزمند خود، درهمه‌پرسی دهم ویازدهم فروردین، بآن‌رأی مثبت داده است. حالا نه‌فقط خبرگان‌لازم دیده‌اند پس‌از «ملت ایران»، عبارت «براساس اعتقاد دیرینه‌اش به‌حکومت حق‌وعدل قرآن» را اضافه کنند، که‌البته چیزی برقدرومنزلت حق‌وقرآن‌نمیافزاید، بلکه فکرکرده‌اند که‌لابد اگرتاریخ‌هجری قمری، باعبارت «اول‌جمادی‌الاول سال۱۳۹۹» راهم‌بآن بیافزایند، «اسلامی‌تر» خواهدشد. درحالیکه همان تاریخ شمسی ما دارای مبدأ هجرت پیغمبر وبنابراین اسلامی است ولزومی‌بـاین «اصلاح»، که تنها درمعادل روحانی، آنرا میدانند وبکار میبرند، نبود، مگرآنکه تصور شود قـانون اساسی نه‌برای تمام‌کشور وهمه مردم، بلکه برای‌گروه ویژه روحانی تدوین میشود، که‌البته چنین نیست.

اصل دوم‌نیز درهمان جهت‌بکلی تغییرکرده وکوشش شده است‌که اصول دین اسلام دریـك ماده قانون ذکر شود واضافه ...آن، برداشت‌کلی ازانسان وجامعه نیزدرآن قیدگردد. واضح است‌که نتیجه چزهمان «تنزیل اصول‌دین»، که‌اصولا چایش درقانون اساسی نیست نمیتوانست باشد. فزون برهمه، در متن پیش‌نویس وحتی درمتن بکلی تازه کمیسیون مجلس خبرگان نوشته شده بود، «جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی برپایهٔ...» ولی‌همین واژه، **«توحیدی»**، باین‌عنوان وبهانه‌که‌مفهوم جامعه‌بی‌طبقه توحیدی را القاء میکند وگویا این‌مطلب باگفته کمونیستها درباره جامعه بی‌طبقهٔ آینده موردنظرشان تقارنی دارد، موردبحث مفصل خبرگان قرارگرفت وسرانجام نیزدرمتن تصویب شده حذف وبجای آن نوشته‌شد، «جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان‌به...» بیجهت نیست که بسیاری اندیشه‌پردازان اسلامی ومعتقدان به مکتب تشیع علوی نارضائی خودرا ازاین تغییر، که بعقیده آنها اصولی است و حذف‌اصلی است بین‌اسلام مترقی راستین باتعبیرکهنه و«صفوی» آن، ابراز داشته‌اند. بنظر بسیاری، با ذکر خدای یکتا واختصاص حاکمیت وتشریع بأو و وحی الهی‌ومعاد وعدل وامامت وغیره دراین‌ماده، نه‌اسلام تقویت میباید ونـه قانون اساسی محتوی اسلامی پیدامی‌کند. نوشتن قانون **دروغ** این یا آن مکتب یك‌چیزاست وخلاصه‌کردن (وبنابراین فقیرکردن) ونزول‌دادن شالوده‌های مکتب) احکام‌ومعتقدات مکتب درچند ماده‌واصل چیزبکلی دیگری. ازعبارات مبهم وکشدار ودوپهلوئی نظیر «اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس‌کتاب وسنت معصومین»، آنهم درسندی چون‌قانون اساسی‌که بایدبحداعلا روشن وصریح وغیرقابل‌تفسیر باشد، نه‌کسی چیزی میفهمد ونه‌مسئله‌ای حل میشود.

دراین اصل نه‌فقط واژه توحیدی را برداشتند وتمام متن را تغییر دادند، بلکه عبارت«برپایهٔ فرهنگ اصیل وپویا وانقلابی اسلام» را نیز ازمتن پیش‌نویس برداشتند. درحالیکه لااقل این‌جمله خط فاصلی میکشید بین آن اسلام راستینی‌که نقش انقلابی وپیشبرنده‌وتحول بخش داشت ـ ازعلی تا امام خمینی وطالقانی وشریعتی ـ وآن اسلام دروغین کمهور شرك داشت وارتجاعی وکهنه گرا ومدافع زور وزرودزدویر بود، ازمعاویه تاوعاظ السلاطین. از زمان بنی‌امیه گرفته تاصفـویه وقاجاریه و پهلـوی وامروز.

محتوی ماده۲، درماده ۳ «اهداف» نامیده شده وماده ۳ تازه‌ایکه درپیش‌نویس قانـون اساسی اصلا وجود نداشت،برای نیل بدانهااضافه شده است. این ماده خود دارای ۱۶ بنداست، وبعقیده‌اغلب کسانیکه دراینمورد اظهار نظرکرده‌اند، **وسایل** نیل بهدف را، برخلاف قصد تدوین‌کنندگان، نشان نمیدهد، بلکه خود آنها **هدفها وآرمانهای** تازه‌ای را مطرح میکند که‌البته درآن میان نکات مثبت فراوانی وجود دارد، ازطرد کامل استعمار وجلوگیری‌ازنفوذ اجانب گرفته تامحو هرگونه خودکامگی واستبداد وانحصار طلبی، ازرشد فضائل اخلاقی ومبارزه بافساد گرفته تاآموزش وپرورش رایگـان، ازتعمیم آزادیهای سیاسی واجتماعی گرفته تامشارکت عامه مردم، ازپی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه ورفع فقر ومحرومیت گرفته تاتامین حقوق همه‌جانبه افراد زن ومرد وتساوی حقوق در برابر قانون وغیره، بااین مطالب، صرفنظر ازبحث حقوقی، که آیا اینها وسیله هستند یاهدف، نمیتوان صـددرصد موافق نبود، بشرط‌آنکه در مواد واصول بعدی متنی‌که تهیه میشود، مطالب دیگری متناقـض بااین مطالب وجود نمیداشت ووافعا هم راهها برهرگونه **خود کامگی وانحصار طلبی**، ازهرنوع وبهر بهانه‌ای، بسته میشد وزن ومرد واقعاً درجامعه وخانواده، درتمام زمینه‌های سیاسی واقتصادی ومدنی و اداری واجتماعی **برابر حقوق** شناخته میشدند.

این بحث ادامه دارد

قطعنامه کارگران شرکت فسان

ما کارگران شرکت فسان‌که پس‌از قیام طبـق گفته دولت و رهبری انقلاب خواهان بازگشت بکار بودیم بامقـاومـت کارفرما روبـرو شدیـم. کارفرمـا همواره در فکر اخراج‌مـا کارگران بوده است. ولی ماکارگران بـا مبارزه دست جمعی مان، بالاخره درهای شرکت را گشوده وبسر کارمان بـاز گشتیم ،کارفرمـا دست به توطئه‌چینی زده، و از هر فرصتی برای عدم اشتغال ما و اخـراج نمودن ما استفاده کرده است، ولی‌تا بحال ما‌توانسته‌ایم توطئه های اورا نقش بـر آب نمائیم تااینکه ماخواهان پرداخت حداقل‌دست‌مزدی که دروزارت کار به‌تصویب رسیده، وبکارگاه بخشنامه شده است شدیم. کارفرما از این فرصت بازهم برای اخراج ماکارگران استفاده نمود، وما به‌کلیه مقامات وزارت‌کار وکمیته‌ها مراجعه وخواهان‌رسیدگی بوضعمان شده‌ایم ولی جواب قانع کننده‌ای بما نداده‌انـد، از اینرو ماناچاریم‌برای جلوگیری از اخراج و گرفتن افـزایش‌حقوقمان دست به تحصن بزنیم، و اعلام میدمائیم تا وقتیکه بخواسته‌های ماکه درذیل خواهد آمد جواب داده نشود همچنان به تحصن ادامه میدهیم.

۱ـ کارفرمابه‌هیچ‌وجه حق اخراج هیچیك از کارگران را نداشته باشد، وهمه کارگران را بسر کار بازگرداند و موظف باشد که برای آنهـــاکار تهیه نماید.

۲ـ کارفرما بـایستی طبق بخشنامه وزارت کار حقوق مارا بپردازد، ودر صورت‌افزایش‌هزینه‌موظف است‌متناسب‌با‌افزایش‌هزینه حقوق مارا افزایش‌دهد.

کارگران‌شرکت فسان

۱۳۵۸/۷/۳

شماره اول ۱۳۵۸

دنیا

نشریه سیاسی وتئوریك کمیتهٔ مرکزی حزب‌تودهٔ ایران منتشر شد

«مردم» ارگان‌مرکزی حزب تودهٔ ایران

نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شمارهٔ ۶۸

تلفن، ۹۳۳۴۵۹و۹۳۵۷۲۸

چاپ، کاویان

نطق فیدل کاسترو درکنفرانس کشورهای‌غیرمتعهد...

مایه مسرت و خشنودی ماست کـه احساسات برادرانه خودرا نسبت به‌کشورهایی‌که بتازگی به جنبش کشورهای غیرمتعهد پیوسته‌اند و نخستین‌بار است درکنفرانس این‌جنبش حضور میابند ، ابرازداریم. این‌کشورها ایران و پاکستان هستندکه پس‌از واژگونی رژیم سلطنت درایران و خروج از پیمان نظامی ارتجاعی وتجاوزکارسنتو به‌جنبش ما پیوسته‌اند. همچنین سوری‌نام، بلیوی، کشور کوچك و دلیر گرنادا وخلق تسلیم‌ناپذیر نیکاراگوئه، که آثار مارش تاریخی رزمندگان قهرمان آن، که به‌میهن ساندینـو آزادی بخشیدند و قـاره آمریکای مارا پرافتخار و سربلند کردند ، هنوز درخاطره‌ها تازه است.

اتیوپی و افغانستان، باکیفیت انقلابی‌نوین‌خود، درجرگه ما هستند وجبهه میهن‌پرستان زیمبابوه ، بعنوان عضو دارای حقوق‌کامل ، دراین مجمع حضور دارند ، خانواده جنبش ما گسترش میابد و این‌گسترش، چنانکه باید، گسترشی است، کیفی. کشورهای‌جدیدی‌نیز بعنوان‌ناظر دراین‌کنفرانس حضور دارند، فیلیپین، سنت‌لوسیا ، دومینیکن وکاستاریکا. در این کنفرانس نمایندگان بسیاری بعنوان میهمان شرکت دارندکه از آنجمله برای نخستین‌بار اسپانیا. آخر موفق نشدند این کشور را به‌پیمان نظامی ناتو جلب‌کنند، پیوستن اسپانیا بـه این پیمان تنها می‌توانست آینده تابناك خلق فداکار اسپانیا را درمعرض خطردچار گرداند. خلق‌اسپانیا باخلقهای آمریکای ما پیوندهای تاریخی وفرهنگی استواری دارد . ما در اروپای صنعتی هم‌به دوستانی که به عراده امپریالیسم بسته‌نشده‌باشند، نیاز داریم.

نمایندگان ۹۴کشور و جنبش رهایی‌بخش درکنفرانس ما حضور دارند . کنفرانس ما پر نماینده‌ترین کنفرانس‌هایی است‌که این جنبش تاکنون داشته‌است واین امر برای‌کشور ما مایه افتخار و سربلندی است.

تلاشهایی که برای جلوگیری از بـرگـزاری ششمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعهد درهاوانا بکار برده شد بیهوده ازآب درآمدند. امپریالیستهای‌آمریکا و دوستان‌قدیمی و تازه آنان، یعنی دولت چین، کوشش کردندکه این کنفرانس درکوبا تشکیل نشود، آنها در تلاشها و اتهامات بیشرمانه‌خود کاررا بجایی رسانیدندکه مدعی شدندکه‌کوبا جنبش کشورهای غیرمتعهد رابه ابزار سیاست شوروی تبدیل میکند. ما اطلاع کامل‌داریم‌که ایالات متحده‌آمریکا سندتهایی کنفرانس تدوین شده ازجانب کوبارا بدست آورده وازکانالهای دیپلماتیك‌تلاش فراوان بکاربرد تا این‌سند را تغییردهد. دراین‌مورد ما مدارك غیرقابل انکاری دراختیار داریم.سندی راکه متهیه کرده بودیم، مدتها پیش‌از تشکیل کنفرانس برای کشورهای عضو جنبش فرستادیم وبا پیشنهادها و ملاحظات فراوانی درجهت بهبودآن، بموقع دریافت‌کردیم. اما به ایالات متحده آمریکـا چه‌کسی چنین حقی داده است که درامورکشورهای غیرمتعهد مداخله کند وتلاش نماید نظریات خودرا به‌آنان دیکته‌کند؟ پاك‌چنین تعارضی ازجانب ارتجاع دربرا برکوبا راچگونه میتوان توجیه کرد ؟

کوبا هرگز آن‌کشوری نیست‌که درمواضع و روابط خود با امپریالیستها ابهام و تردید ازخود نشان‌داده‌باشد. کوبا همواره و بطور پیگیر سیاست همبستگی نزدیك با جنبشهـای رهایی‌بخش ملی وبا هراقدام عادلانه خلقهارا اجرا کرده است. کوبا همواره بدون تزلزل، قاطعانه‌جدی، باصداقت وسربلندی وشجاعت ازاصول سیاسی خود دفاع‌کرده وطی متجاوزازبیست سال موجودیت خـود، لحظه‌ای هم از مبـارزه علیه تجـاوز و محاصره‌ای که مقتدرترین‌کشور امپریالیستی علیه آن اعمال میکند، بازنایستاده است. انگیزه این تجاوزکاری ومحاصره آن است‌که کوبا درسرزمین خود، انقلاب واقعی سیاسی و اجتماعی درفاصله۹۰میلی ازسواحل‌این‌کشورامپریالیستی انجام داده است.

درباره ارزش خلق انقلابی و سیاست قاطعانه کشوری که نمیتوان آنرا خرید، تطمیع ویا تهدید کرد میتوان ازروی میزان خصومت وکینه‌ای‌که امپریالیستها نسبت به‌آن دارند ، قضاوت‌کرد. در روابط بین‌المللی، ما همبستگی خودرا نـه با گفتار، بلکه باکردار به‌اثبات رسانده‌ایم ومی‌رسانیم. در حال حاضر، کارشناسان کوبایی در ۲۸کشور عضو جنبش غیرمتعهد همکاری میکنند. این همکاریها بطور عمـده ، در زمینه‌هـای اقتصادی این‌کشورها و بلاعوض انجام میگیرند، با اینکه خود ما دارای مشکلاتی هستیم، بسیاری ازفرزندان شریف وفداکار کوبایی هزاران میل دور از میهن، درجریان کمك وهمکاری با جنبشهای رهایی‌بخش ودر راه دفاع از مبارزات عادلانه دیگر خلقها به‌درجه شهادت رسیده‌اند، این جانبازیها تبلور درخشانی ازصداقت، صمیمیت، روح همبستگی وآگاهی انترناسیونالیستی، یعنی آن کیفیاتی است که انقلاب مابه مردم کوبا ارزانی‌داشته است .

پس چه اتهامی به‌کوبا وارد است؟ این اتهام‌که کوبا کشور سوسیالیستی است؟ آری، ما کشور سوسیالیستی هستیم. اما ما سعی نداریم ایدئولوژی ونظام اجتماعی خود را به‌کسی تحمیل‌کنیم. نه‌درداخل جنبش غیرمتعهدها نـه در خارج از آن، وماازاینکه‌سوسیالیستی‌هستیم یااینکه درسرزمین‌خودیك‌انقلاب

بقیه درصفحه ۳

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
بمناسبت سی‌وهشتمین سالگرد تاسیس حزب تودهٔ ایران

سی وهشت سال نبرد پیگیر درراه بدست آوررن استقلال ملی، آزادی وتامین خواستهای زحمتکشان!

سی وهشت سال از زندگی پرتلاش حزب توده ایـران ،حزب طبقه کارگر وهمه زحمتکشان ایران، گذشته است وسی و نهمین سال این زندگی، باهمان تلاش وپیگیری وتزلزل ناپذیری،درشرایطی بسیار بغرنج آغاز میگردد. پس ازسی سال محرومیت‌از فعالیت آزاد وتحمل جنایت‌بارترین ضربات ازطرف رژیم وابسته‌ضدخلقی محمدرضا پهلوی، امسال حزب ما سی‌وهشتمین سالگرد تاسیس خود را درشرایط پرتلاطم وبغرنج نخستین سال پیـروزی‌انقلاب تاریخی ضد امپریالیستی، دمکراتیك وخلقی میهن عزیز ما ایران، جشن میگیرد.

حزب ما در مسیر این دوران دراز تاریخی بااینکه در نبردهای نابرابر بادشمن، ناکامیها وشکستهای دردناکی راتحمل کرده، معذالك میتواند با سربلندی کارنامه‌ای پراز ایثار و فداکاری درمبارزه علیه امپریالیسم واستبداد عرضه کند.

حزب ما تنها حزبی است که طی نزدیك به چهل سال از پرتلاطم‌ترین دورانهای تاریخ کشورمان، طوفانها وسیل‌های مهیبی راازسر گذرانده، ولی به‌برکت راه درسش‌که درپیش‌گرفته، بدون تزلزل برروی بنیادهای اصولی خود، پابرجا واستوار باقیمانده و راه پرنیج ولی افتخارآمیز خودرا دنبال کرده است.

دشمنان اصلی وواقعی مردم میهن ما، یعنی امپریالیستها ، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، وارتجاع وابسته به‌آنان، یعنی سرمایه داران بزرك وابسته وزمین داران‌کلان، غارتگران ودرراس آنها خاندان ننگین پهلوی، ازهمان نخستین روز پیدایش حزب ما، آنرا درست شناختند وپی بردندکه این حزب پیگیر ترین و روشن‌بین‌ترین سازمان سیاسی دشمن آنها وآشتی ناپذیر ترین مدافع منافع ملی وخواستهای توده‌های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا وحقوق ملی همه خلقهای ایران است، که در راه رسیدن بهدفهای خود، یعنی کسب استقلال ملی وآزادی وتامین خواستهای بحق توده‌ها وخلقهای محروم، ازهیچ فداکاری فروگذار نخواهد کرد .

درست به‌علت همین ماهیت وخصلت ، حزب ما بیش از هر سازمان سیاسی دیگرمورد کینه محمدرضا پهلوی‌ورژیم‌جنایتکارش قرارداشت. محمدرضا پهلوی وپشتیبانان امپریالیستش خوب میدانستندکه برای درهم شکستن مقاومت همه نیروهای ملـی مخالف خود، باید پیش ازهمه سنگر حزب تودهٔ ایران رادرهم شکست .

تصادفی نیست‌که هیئت حاکمه خائن رژیم منحوس سلطنتی محمدرضا پهلوی، درتمام دوران موجودیتش، هربار خواست بـه مردم ایران خیانت کند ، تدارك این خیانت رابا حمله‌ای برای درهم شکستن مقاوم‌ترین سنگر خلق یعنی حزب توده ایـران آغاز میکرد.

درست برپایه همین اصولیت و پـایداری ست که حزب مـا همواره مورد کینه گروههای سازشکار وانحصار طلب قرارداشته است، زیرا آنها خوب دریافته‌اندکه نیروی افشاکننده حزب ما، لقاب ریا وتزویر ومردم‌فریبی راازهم میدرد وچهره زشت‌فریبکاران سیاسی راعریان میسازد. باین ترتیب تصادفی نیست‌که این‌گروهها هم حزب مارا نخستین آماج حملات دشمنانه وکینه توزانه خود قرار میدهند واز هیچگونه اتهام وافترای ناجوانمردانه‌ای بـرای بی‌اعتبار کردن حیثیت مبارزان توده‌ای، که روشن‌بینی سیاسی و اراده راسخ برای دفاع ازمنافع ملی وآزادی وحقوق زحمتکشان، **یگانه ثروت آنها** درزندگی است فروگذار نمیکنند.

حزب توده ایران افتخار میکندکه درتمام دوران موجودیت خود پرچمدار مبارزه علیه فاشیسم هیتلری، علیه امپریالیسم‌غارتگر انگلیس، علیه امپریالیسم تازه‌نفس ومتجاوز امریکا بوده و در مراحلی ازاین دوران، **به‌تنهائی** سنگر مقاومت علیه دشمنان خلق وزحمتکشان میهنمان راانگهداری کرده واین پرچم رادرسخت ترین شرایط افراشته نگهداشته است. مبارزه بی‌امان دشمنان ملی‌ما، یعنی امپریالیسم ورژیم محمدرضا پهلوی، علیه حزب ما، تنهاازراه تمسخ وافترا، ضرب وجرح، بازداشتها وشکنجه واعدام نبود. این دشمنان خوب میدانستند ـ وتجربیات شبیه درکشورهای دیگر جهان ودرخودمیهن مابه‌آنهاآموخته بود ـ که باوجود توسل به‌همه این شیوه‌ها، نمیتوان حزبی راکه دردرون خلقهای میهن ما، در دورن طبقات زحمتکش آن ریشه دارد واز حقوق آنها دفاع میکند، ازبیخ برد وریشه‌کن ساخت. ازاینرو، آنها از همان آغاز تاسیس حزب ما، بموازات توسل همه‌جانبه به‌شیوه‌های یادشده درپالا، شیوه موذیانه وخرابکارانه متلاشی ساختن حزب ازدرون رانیز، بعنوان یکی ازشیوه‌های اساسی مبارزه خود علیه حزب ما، بکار بردند. دشمنان حزب همیشه کوشیده‌اند تاباکمك عناصری کـه آگاهانه بدرون سازمان مافرستاده‌اند ویاباکمك نیمه راهان و وازدگانی‌که به‌آمال و آرزوهای خودخواهانهٔ خود نـرسیده و نتوانسته بودند حزب رابعنوان نردبان ترقی خود مورد بهره‌گیری قرار دهند، حزب توده ایران رااز درون منفجر سازند.

تاریخ نزدیك به چهل سال زندگی پرنیج، ولی پرافتخارحزب ماثابت کردکه این دشنه زهرآلود دشمن، هرقدرهم ماهرانه بکار برده شود، بریدن‌روئین‌تن‌حزب ما کاری نیست وآنرازاودرنمی‌آورد. مبارزه ایدئولوژیك حزب ماعلیه انحرافات راست وچپ، ودردفاع ازپاکیزگی جهان بینی انقلابی وعملی خود یکی ازصفحات درخشان تاریخ‌حزب‌توده‌ایران‌است.حزب‌ماپس‌ازهرضربه‌توطئه،هرخیانت،هرانحراف نیرومندتر ازگذشته برپا ایستاد، زخمهارا درمان کرد و بهبـود بخشید وراه دشوار خودرا **ادامه داد .**

خدمت تاریخی حزب توده ایران تنهادراین نیست‌که دشمنان ملی مارابه روشن‌ترین وجهی به‌مردم شناسانده وآنافرابرای مبارزه علیه این دشمنان تجهیز کرده، بلکه دراین هم هست‌که دوستان واقعی مبارزات ملی وخلقی مردم ایران رانیز شناخت وبه مردم شناسانده .

یکی ازمهمترین افتخارات حزب توده ایران اینست‌که طی نزدیك به‌چهل سال به‌بهترین وعالیترین شکل اصل میهن‌دوستی راستین راباأصل همبستگی ودوستی باهمه خلقهای محروم ومبارز جهان علیه امپریالیسم وارتجاع تلفیق کرد واین پرچم راحتی یك لحظه هم‌برزمین نگذاشت. حزب توده‌ایران بموازات‌تلاش‌خستگی‌ـ ناپذیر خود برای تجهیز نیروهای ملی واتحاد وهمکاری آنان در نبرد بادشمنان اصلی خود، یعنی امپریالیسم جهانی و فرزنـدان نامیمونش، صهیونیسم ورژیمهای غارتگر و جنایتکار وابسته به امپریالیسم درایران وکشورهای استعمارزده دیگر، همواره به مردم ایران آگاهی دادکه مبارزهٔ آنها دررا ه بدست آوردن استقلال ملی، آزادی وزندگی بهتر، بامبارزه همه خلقهای محروم جهـان علیه دشمنان مشترك، یعنی امپریالیسم وارتجاع خودی مبارزهٔ همه زحمتکشان برای برانداختن تسلط غـارتگرانه سرمایـه داری امپریالیستی، مبارزه همه خلقهای آزاد شده از قید امپریالیسم و استثمار، ودر پیشاپیش آنان مبارزه کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی، پیوند ناگسستنی دارد. حزب ماهمیشه وبدون تزلزل ازاین مبارزات، درهرگوشه جهان‌که بود، بیدریغ پشتیبانی کرد ونشان دادکه پیروزی آنان بخشی ازپیروزی خلق، علیـه دشمنان اومست ومبارزه اورا آسانتر میسازد.

مابا سربلندی امروز شاهدآن هستیم که پیگیری حزب ما دراین موضع‌گیری درست، هرروز بارآورتر می‌شود و بخشهای جدیدی ازنیروهای راستین انقلابی ایران، چه ازمیان‌آن‌گردانهائی که زیر پرچم اسلام مبارزه میکنند وچه آنهائی‌که خودرا هوادار سوسیالیسم علمی میدانند، گام‌بگام وهرروز باروشن‌بینی بیشتری به‌درستی مشی مابی میبرند.

یکی ازمهمترین خدمات حزب ماایـنست که همواره و بـا اعتقادی تزلزل ناپذیر ازلزوم تجهیز توده‌های میلیونی برای نبرد علیه امپریالیسم وارتجاع واتحاد این توده‌های میلیونی وسازمانهای سیاسی‌که خودرا نماینده ومدافع منافع این توده‌ها میدانند، دفاع کرده وآنرا شرط اصلی برای پیروزی دانسته است. حزب مااز همان اولین روزهای موجودیت خود تاکنون، همواره مدافع اتحاد نیروهای ملی درمبارزه علیه دشمن مشترك بوده وبویژه روی لزوم همکاری تاریخی نیروهائی که زیرپرچم مبارزه برای استقلال ملی، آزادی، پیشرفت اجتماعی وزندگی بهتر برای زحمتکشان مبـارزه میکنند بانیروهائی که باجهان‌بینی های دیگر، در راه رسیدن به همین هدفها پادرمیدان نبرد اجتماعی گذارده‌اند. نه‌تنها برای یك دوران کوتاه مدت، بلکه برای آینده درازمدت تکیه کرده است.

براساس اعتقاد برهمین اصل است‌که حزب مااز‌همان آغاز مبارزه نیروهای خلقی، زیررهبری امام خمینی، بطور پیگیر برای همکاری بااین نیروها وهمه گردانهای دیگر مبارزان راستین ضد امپریالیسم ورژیم پهلوی تلاش کرده است.

حزب توده ایران اتحاد این نیروهای خلق رانیرومندترین سرچشمه پیروزی علیه دشمنان میداند وهمـواره علیرغم همـه برخوردهای غیردوستانه وناعادلانه، دست خود را برای این اتحاد دراز کرده است.

انقلاب پیروزمند تاریخی مادرسنی وضرورت تاریخی این‌اتحاد رانشان داده وازهم پاشیدگی که درماههای اخیر درصفوف‌نیروهای انقلابی خلق پدیدار شده، خطر ضعف وازبین رفتن این اتحاد رابه گوپاترین وجهی درمقابل چشم میهن دوستان گذاشته است . دشمنان نوسوگند خورهٔ استقلال وآزادی ما، یعنی امپریالیستها، به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیستها وبازماندگان رژیم سرنگون شده محمدرضا پهلوی، باتمام قوا میکوشند سرچشمه پرتوان نیروی جبهه خلق راخشك کنند، گردانهای گوناگون جنبش خلق رابجان هماندازند، میان آنان تخم نفاق و دشمنی بیفشانند، آتش جنك برادرکشی را برافروزند، ازتثبیت وتحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب تاریخی ماجلوگیری کنند، موجبات عدم رضایت توده هارا فراهم کنند وبدینسان زمینه رابرای بازپس گرفتن مواضع غارتگری‌که ازدست داده‌اند، آماده سازند.

هموطنان! رفقای حزبی! هواداران ودوستان حزب!

حزب توده ایران آغاز سی‌ونهمین سال تاسیس خودرا در شرایط بسیار بغرنج سیاسی جشن میگیرد. این جشن درشرایطی است‌که ازیکسو انقلاب ایران باشرکت وسیعترین اقشار مردم ازهمه خلقها وازهمهٔ طبقات واقشار ملی به‌دستاوردهای عظیم و شگفت انگیزی نائل‌آمده وبااین پیروزی تاریخی تحسین واحترام همه مبارزان راه استقلال، آزادی وپیشرفت اجتماعی رادر سراسر جهان بدست آورده است. مردم میهن مامیتوانند بخود ببالند که باپیروزی دراین انقلاب تاریخی وبادستاوردهای خود درهمین ۸ماهی که ازپیروزی انقلاب گذشته است، ضربات سنگینی برپیکر منفور دشمنان ملی یعنی امپریالیسم وارتجاع، وارد ساخته‌اند.

ولی ازسوی دیگر اکنون ماشاهدآن هستیم که بعلت ضعف بهم پیوستگی نیروهای انقلابی ودسیسه‌های دشمنان نابکار، که در تمام سطوح دست بکارند، این دستاوردها مورد تهدید جدی قرار گرفته اند.

نیروهای انحصار طلب راست، باشعارهای مردم‌فریب وگمراه کننده، ولی درواقع به‌منظور محدودکردن دستاوردهای انقلاب در چهارچوب منافع طبقاتی واعتقادات سیاسـی ـ اجتماعی خود ازیکسو ونیروهای کم‌تجربه افراطی چپ، بابرخی برخوردهای نادرست و غیرواقع بینانه آب به‌آسیاب ضدانقلاب میریزند وراه را بـرای پیشرفت آن هموار میسازند.

حزب توده ایران سی ونهمین سال زندگی خودرا با دنبال کردن همان راهی‌که همیشه درپیش داشته، یعنی راه روشن کردن، تجهیز وتشکل توده های زحمتکش، راه اتحاد وهمکاری با همـه نیروهای راستین ملی وخلقی درمبارزه برای تثبیت، تحکیم‌وگسترش دستاوردهای انقلاب، راه دوستی وبهم پیوستگی همه خلقهای‌ساکن ایران درچهارچوب دفاع ازتمامیت ارضی، استقلال وآزادی ایران، راه بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان میهن ما، راه همکاری واتحاد باهمه سازمانهای سیاسی که به این هدفها وفادار باشند ـ برای تشکیل «جبهه متحد خلق» ـ ادامه خواهد داد.

رفقای حزبی! هواداران ودوستان حزب!

سی‌وهشتمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران رااز صمیم دل‌به‌شماشادباش میگوئیم وعلیرغم همهٔ دشمنی‌ها، تهمت‌هاوافتراها، همراه شما، باسربلندی به‌تاریخ پرنیج، ولی افتخارآمیز حزبمان مینگریم وتجدید پیمان میکنیم که حزب مابه آرمانهای خـود وفادار خواهد ماند واز هیچ تلاشی برای رسیدن به‌آمال انسانی، ملی وتوده‌ای خود فروگذار نخواهد کرد.

کمیتهٔ مرکزی

حزب تودهٔ ایران

۹ مهرماه ۱۳۵۸

دنباله نطق رفیق فیدل کاسترو درکنفرانس غیرمتعهدها...

رادیکال‌انجام‌داده‌ایم، بهیچوجه‌شرمنده نیستیم‌آری مااِنقلابیون رادیکالی‌هستیم. اماقصدنداریم‌رادیکالیزم خودرابکشوری‌وبطریق اولی به‌کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها تحمیل‌کنیم. ما با کشورهای سوسیالیستی واتحاد شوروی روابط برادرانه داریم. ماقبلا ازاتحاد شوروی سپاسگزاریم، زیراکمك وهمکاریهای سخاوتمندانه آن، به‌کوبا امکان ادامه حیات داد، امکان داد که در بغرنجترین و دشوارترین دوران زندگی مردم ما، پیروز شویم، دورانی

اسناد حزبی

دردوران توقیف بدون دلیل «مردم»، ازجانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه‌ها، اعلامیه‌ها وبیانیه های متعددی بمناسبت رویدادهای گوناگون انتشار یافت. ازآنجاکه این اسناد، بعلت محدودیتهای موجود، دردسترس همه علاقمندان قرار نگرفته است، «مردم» بار دیگر این اسنادرا، برحسب تاریخ انتشار، بچاپ میرساند تاهمگان ازآن اطلاع یابند.

بوسیله جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر به هیئت دولت موقت جمهوری اسلامی

آقایان محترم!

«طوریکه مسلماً اطلاع یافته‌اید، روزدوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ ، از طـرف دادستان انقلاب اسلامی تهران، طی اعلامیه‌ای توقیف روزنـامه مردم ، ارگان مرکزی حزب توده ایران، اعلام گردید. دراستدلال برای توقیف روزنامه مردم آمده است:

«برای جلوگیری ازتحریکات سوء وپخش مطالب بیش از حد، کـه موجب تشویش اذهان عمومی وتوطئه علیه جمهوری اسلامی وخلل در نظم...»

برای‌ما واقعاً تعجب‌آور است‌که به‌روزنامه مردم چنین اتهامات نارواتی ازطرف یك مقام آنقدر مسئولیت‌دار وارد می‌آید.

اطمینان داریم که شما آقایان، مانند همه مردم ایران، کاملا واقفید که حزب توده ایران نزدیك به۳۸ سال است که باتمام نیروی خود، بافداکاری ودادن تلفات بیشمار و تحمل انواع محرومیت‌ها، علیه دشمنان داخلی وخارجی‌ملت ومیهنمان، یعنی‌امپریالیستهاوارتجاع سوامسلسله پهلوی، ودر ۷ماه‌اخیر، علیه بازماندگان رژیم وعمال امپریالیسم آمریکاوصهیونیسم‌مبارزه‌کرده است ودر این مبارزه حتی لحظه‌ای بازایستاده است.

درجریان تدارك وانجام انقلاب تـاریخی مردم ایران،حزب توده ایران باروشنی وبدون تـزلـزل ، دوش بدوش همه نیروهـای ملی و آزادیخواه، که زیرپرچم اسلام بمیدان مبارزه گام‌گذاشته‌بودند،علیه‌دشمن‌مشترك، یعنی‌رژیم‌شاه منفوروحامیان‌امریکائی ـ صهیونیستی‌اش جنگیده وهمواره ازرهبری قاطع امام خمینی برجنبش انقلابی ایران پشتیبانی کرده وکوشیده است‌که نقاب ازچهره زشت عمال ضدانقلاب ومنافقین‌و تفرقه‌اندازان بردارد.

همه‌بیانیه‌ها، نامه‌های‌سرگشاده‌وموضعگیری های سیاسی حزب توده ایران، کـه‌در ۵۵ شمارهٔ روزنامه مردم پس‌از انقلاب پیوزمند بهمن‌ماه انتشار یافته، گواهی این روش سازنده وهمگام باانقلاب ایران هستند.

حتی یکبارهم ازطرف مقامات مسئول، یك ایراد، که نشانی از اتهامـات واوده از طرف دادستان انقلاب تهران داشته باشد، وارد نشده است.

حزب‌ما وروزنامه مردم همواره‌کوشیده‌اند ازهرگونه شایعه‌سازی دوری کنند. ودرهیچ‌جریان ویاتظاهرات تحریك‌آمیز شرکت نکرده وازآن پشتیبانی نکرده‌اند.

حزب توده ایران در رفـراندوم بـرای جمهوری اسلامی باموضعگیری‌مثبت شرکت‌جست وهمواره درراه وحدت نیروهای انقلاب‌وتقویت رهبری امام خمینی‌گام برداشته است.

حزب توده ایران همواره هوادار پیگیر و بدون تزلزل تمامیت‌ارضی و تمرکز قدرت‌دولتی درایران بوده وهست، درعین اینکه معتقد است که دراین چهارچوب باید به محرومیتهای ملی خلقهای‌غیرفارس‌در کشورازراههای‌مسالمت‌آمیز پایان داده شود، چیزی‌که برای وحدت ملی ما بسیار ضروری است.

حزب توده ایران عقیده داردکه در مرحله کنونـی مبارزه بـرای ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیسم واستثمار غارتگرانه وخنثی نمودن دسیسه‌های امپریالیسم وصهیونیسم وبازماندگان رژیم شاه، بازسازی هرچه‌بیشتر اقتصادی‌کشور اهمیت درجه‌اول دارد وباید همه نیروهـا برای این بازسازی تبجهیز گردد.

حزب توده ایران راهنمائی امام خمینی‌را برای جهاد سازندگی وکمك به‌محرومین‌جامعه استقبال کرده وهمه نیروی خودرا برای شرکت دراین جهاد بسیج کرده است.

اینست واقعیات روش سیاسی حـزب مـا و روزنامه مردم وبرپایه این واقعیات است که ما از تصمیم دادستان انقلاب در حیرت هستیم. ما دربیانیه‌های رسمی خود وهمچنین در مذاکرات شفاهی بامسئولین‌کشور همواره اطمینان داده‌ایم که این موضعگیری اصولـی و بـدون تزلزل است.

ما اطمینان داریم که روش‌متین و سازنده حزب‌ما و روزنامه مردم مورد تائید خود هیئت وزیران است.

مامصرانه از دولت موقت جمهوری‌اسلامی خواستاریم‌که همه نفوذ خود را برای رفع‌سوء ـ تفاهمانی که موجب تصمیم دادستان انقلاب شده است، بکار اندازد وهرچه زودتر به‌تصمیات‌انجام یافته پایان داده شود وبه‌حزب توده ایران‌امکان داده شودکه به فعالیت مثبت و سازنـده خود درجریان‌گسترش انقلاب‌ادامه‌دهد.

باتقدیم احترامات

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیراول ـ نورالدین کیانوری

۳۰ مردادماه ۱۳۵۸

نامهٔ سرگشادهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

به‌شورای انقلاب‌اسلامی ایران،
به‌دولت موقت جمهوری اسلامی،
به‌کمیته مرکزی انقلاب، اسلامی‌ایران

آقایان‌محترم!

چنانکه مسلماً به‌استحضارتان رسیده است، روز ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ ، دادستانی انقلاب مرکزی، روزنامه «مردم» ارگـان مرکزی حزب توده ایران ، راتوقیف وپاسداران کمیته‌مرکزی انقلاب‌نه‌تنها محل‌روزنامه‌مردم، بلکه مجموعه دبیرخانه‌مرکزی حزب‌توده ایران ومرکز «شرکت سهامی نشریات‌توده» راهم‌رهوم کرده وبه‌این ترتیب‌امکان فعالیت حزب‌مارا، که‌تازه‌پس‌از ۳۰ سال‌محرومیت، باروشی سازنده ومتین، زندگی‌سیاسی قانونی‌خود راباز یافته بود، شدیداً محدود ساخته‌است. اخباری که‌ازشهرستانها میرسدحاکیست که، دراکثرشهرهای ایران، یعنی تقریباًدر هرجاکه مرکز حزب‌توده ایران ویادفتر انتشار روزنامه مردم ویا دفاتـر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران وجود داشته است، به‌وسیله‌گروههای تحریك‌شده وبدون مسئولیت مورد هجوم و تخریب‌ودربعضی موارد کتاب‌سوزی و آتش‌سوزی‌قرار گرفته‌اند وبسیاری ازافرادحزب تودهٔ ایران‌هیچگونه‌امنیت جانی ندارند.

دربوشهر، اصفهان، رشت، تبریزو... این‌رویدادهای ناگوارزپاتهای بسیاری‌به حزب‌وارد ساخته‌است. درکرمانشاه این‌هجوم نتایج وحشتناکی ببارآورده است. دونفراز افراد حزب‌توده ایران، که‌مطلقاً هیچ‌گونه‌تماس‌وهمکاری‌باجریانات موجود درکردستان نداشته‌اند، درمنزلشان بازداشت شده‌و پس ازیکساعت، بدون‌کوچکترین دلیل، تیرباران شده‌اند. این‌حکم آنقدرغیرعادلانه بودکه حتی بسیاری از مسئولین شهرا، که‌این‌افراد را بعنوان‌عناصر پاکدامن،شریف‌ومیهن‌پرست میشناخته‌اند، دچارحیرت‌کرده است.

تعجب ماازاین جهت است‌که طی‌نزدیك به‌هفت ماه که‌ازانقلاب ایران میگذرد، حزب توده ایران، همواره بـا باروش متین‌وواقع‌بین‌خود، درجهت‌سمت‌گیری انقلاب گام برداشته‌است. عناصرعمده این‌سمت‌گیری، آنطورکه ازطرف امام‌خمینی دررهنمودها ووعده‌هایشان برای‌سیاست‌جمهوری اسلامی‌داده شده‌بود، عبارت‌بودنداز، اتحاد همه نیروها در مبارزهٔ آشتی‌ناپذیر برای‌پایان دادن‌به‌تسلط‌سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ونظامی امپریالیستها ودر درجه اول امپریالیسم امریکا وصهیونیسم بین‌المللی، در مبارزه به خاطرریشه‌کن کردن بقایای رژیم‌منفور سلطنتی، در مبارزه برای تامین آزادی برای نیروهای‌گوناگون ملی‌ومیهن‌پرست،درمبارزه برای برانداختن غارتگری بیرحمانه چپاولگران وابسته به‌رژیم‌شاه و امپریالیستها وبهبود بنیادی شرایط زندگـی زحمتکشان شهروده، برابری‌حقوق‌همه افراد و همه‌اقوام و اقلیت‌های ملی ومذهبی درچهارچوب ایرانی‌واحد ومستقل ومتحد و آزاد.

تمامی فعالیت‌حزب توده‌ایران در نزدیك به۷ ماهی که‌ازانقلاب گذشته‌است، شاهداین واقعیت انکارناپذیر است که‌حزب ما باپیگیری وبدون تزلزل و بدون کوچکترین انحراف دراین‌سمتگیری گام برداشته‌است. بیانیه‌ها، نامه‌های سرگشاده، مقالات روزنامه‌مردم وسایر نشریات حزب‌ماشاهد این‌ادعای ماهستند. حزب‌توده ایران‌کوشیده‌است‌که‌باانتقاد سازنده‌که‌بودهای کاراجرائی رانشان‌دهد، با زیاده‌روی‌های افراطی‌ازچپ‌وازراست مبارزه‌نماید، قیافهٔ‌زشت‌ضدانقلاب ونفاق‌اندازان وابسته به‌آن‌را نشان دهد، مردم‌را از افتادن به‌دام دسیسه‌های رنگارنگ ضدانقلاب برحذر دارد، در جهاد سازندگی فعالانه‌شرکت‌جوید ودر چهارچوب طرز اندیشه و جهان‌بینی خود، راهنمائی‌های امام‌خمینی رادرهمه‌زمینه‌های یادشده دربالا، درزندگی روزمره پیاده‌نماید.

به‌این‌ترتیب حتی دریك‌موردهم نمیتوان بـه حزب توده ایران‌ایرادگرفت‌که از آزادیهای دادشده،سوءاستفاده کرده ویادرجهت تحریك وتشویش‌اذهان وتضعیف جمهوری اسلامی عمل کرده‌است.

تمام فعالیت‌سیاسی واجتماعی حزب‌توده ایران وهمه سازمانهای‌وابسته به‌آن، درست‌درجهات معکوس‌این‌اتهامات بوده‌وهست. حزب‌ما باتمام نیروی خودتنها وتنها در جهت تثبیت وگسترش‌دستاوردهای انقلاب ضدامپریالیستی وخلقی ایران‌مبارزه‌کرده ومیکندودرست به‌همین‌جهت‌است‌که‌در‌تمام دوران تسلط رژیم‌منفور پهلوی موردشدیدترین‌کینه و بغض آن‌رژیم قرارداشته ودرست۳۰ سال ازامکان فعالیت‌قانونی محروم بوده است.

آقایان‌محترم!

بربایه همین‌واقعیات است‌که مابه‌خود اجازه‌میدهیم ازشما مصرانه بخواهیم‌به‌وعده‌هائی‌که دربارهٔ تأمین آزادی اندیشه وفعالیت‌سیاسی درچهارچوب تثبیت وتقویت‌جمهوری اسلامی داده‌اید، عمل‌کنید و به‌تضییقاتی که نسبت به‌فعالیت حزب‌توده‌ایران‌معمول‌می‌گردد، پایان‌دهید وازروزنامه‌مردم رفع توقیف به‌عمل آورید.

آزادی فعالیت سیاسی حزب توده ایران با سیاست انقلابی و سازنده‌اش مسلماً موجب تحکیم اتحاد نیروهای ملی برای‌رسیدن به‌هدفهائی است‌که انقلاب تاریخی میهن‌ما دربرابر خودقرارداده‌است.

باتقدیم احترامات

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

دبیراول: نورالدین کیانوری

اعلامیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران بمناسبت سالگرد ۱۷ شهریور- جمعه خونین

هموطنان عزیز!

یـك‌سال از جمعه خونین می‌گذرد. این‌روز درتاریخ مردم ایران، در تاریخ جنبش انقلابی ایران فراموش نشدنی است. این روز تاریخی چهره‌های‌گوناگونی دارد. این‌روز بهانگر جنایت‌بار تریـن واکـنش رژیم دومنش پهلوی دربرابر خلقی است که با دست خالی برای استقلال‌وآزادی خود رزمیده. ایـن‌روز نمـودار قهرمانی خلقی است که‌چون تن واحد برای سرنگون ساختن‌رژیم دست نشانده پهلوی پیکار کرده. در این‌روز کشتار جمعی، دراین روز شهادت خلقـی، مبارزان‌راه استقلال، آزادی، عدالت، شرافت وترقی دربرابر عاملان‌وابستگی، اسارت، ظلم، فساد وعقب‌ماندگی قرار گرفتند. این زور آزمائی بهای جان هزاران نفرازبهترین فرزندان خلق تمام شد، ولـی در همان لحظاتی که‌پیکر آزادگان درزیر رگبار گلوله اسارتگران درهم میشکست، تـاریـخ حکـم پیروزی خلق و شهیدانش، حکم شکست دشمنان خلق ودژخیمانش را صادر کرد. ودیری نگذشت‌که انقلاب بزرگ‌مردم ایران،برهبری امام خمینی، براین حکـم صحه گذاشت. درود بی‌پایان برزنان‌و مردانی‌که خون خودرا وثیقه این حکم تاریخی قرار دادند!

هموطنان عزیز!

فرزندان دلیرمیهن‌مـا، در جمعه خونین وروزهـای نظیـر برای آن بخاك‌و خون غلطیدند، همه زنان ومردان میهن پرست و آزادهٔ مابرای آن رزمیدند کـه میخواستند رژیم دست نشانـده، خائن، ظالم‌وفاسد پهلوی‌سرنگون شود،سلطه‌امپریالیسم،بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع از میهن‌ما ریشه‌کن‌گردد، دست سرمایه‌داران بزرك وابسته ومالکان بزرك ازغارت ثروت‌ملی ونتیجه دسترنج مردم زحمتکش‌ما کوتاه شود ومردم میهن‌ما،پس‌از اینهمه ظلمی‌که برآنها رفته‌است، از استقلال وآزادی و عدالت و رفاه وترقی برخوردار گردند. و اینك، دردزمانی‌که سالگرد جمعه خونین را بـرگـزار میکـنیم، باردیگر دربرابر یکی ازحساس ترین، بفرنج‌ترین و پرمسئولیت ترین لحظات تاریخ خود قـرار گرفته‌ایم. زیـرا دستاوردهـای انقلاب بزرك‌ما، خواست مـردم قهرمان‌ما، آرزوی شهیدان‌جانباز

بقیه درصفحه۶

بیانیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

بمناسبت حوادث اخیر کشور

هم میهنان گرامی!

باکمال تأسف ، شاهد آن هستیم‌که در هفته‌های اخیر چرخشی در اوضاع سیاسی درون کشور پدیدار شد و بااین چرخش ضربه دردناك و هراس‌انگیزی به امر اتحاد ویگانگی نیروهای ملی و آزادیخواه واردآمد .

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران درنامه سرگشاده مورخه سوم مردادماه ۱۳۵۸ خود ، با تحلیل جریانات سیاسی درحال رشد آن روز ، این چرخش را پیش‌بینی کرد و هشدار دادوبااحساس مسئولیت تاریخی از همهٔ نیروهای وفادار به‌هدفهای انقلاب خواست‌که درراه جلوگیری از چنین چرخش زیان‌بخشی متحد شوند . با کمال تاسف این ندای حزب ما بی‌پاسخ ماند .

امروز هم ما باجرأت می‌گوئیم‌که اگر نیروهای وفادار به‌هدف‌های انقلاب موفق نشوند به‌آن نیروهای ارتجاعی‌که این وضع رابه‌وجود آورده‌اند ، لگام بزنند و روند انقلاب ایران را به‌راه اتحاد همهٔ نیروهای ضدامپریالیستی،که در مبارزه برای رسیدن به هدف های ضد امپریالیستی ، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب استوارند ، بازگردانند ،کمك بزرگی به‌کامیابی نقشه‌های خائنان‌برانداز دشمنان انقلاب به‌عمل آمده است . ما همیشه درهمین جهت کوشیده‌ایم ، و اگر چنین واقعیتی تاکنون تحقق نیافته ، علی‌رغم میل ما بوده و مسئولیت آن باکسانیست که دراین راه‌گام مؤثر برنداشته‌اند .

دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیست‌ها، ودر پیشاپیش آنها امپریالیسم غدار آمریکا ، وصهیونیست‌ها و همدستان ایرانی‌آن‌ها ـ یعنی بازماندگان رژیم سیاه پهلوی وسرمایه‌داران و زمین‌داران وابسته ،که بخشی ازامتیازات‌غارتگرانه خودرا ازدست داده وبخش دیگرش رادر معرض خطر می‌بینند ـ همیشه تلاششان دراین جهت بوده و هست‌که باایجاد چندستگی واختلاف‌وبرخورد، تاحدبرافروختن جنك خانگی و تحریك‌گردان‌های‌گوناگون جنبش انقلابی به‌زد و خورد وبرادرکشی، جنبش انقلابی میهن مارا تقسیم‌کرده و ازسمت‌گیری اصلیش ، یعنی مبارزه‌علیه دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا ، صهیونیسم و ارتجاع داخلی منحرف سازند و اعتبار و حیثیت انقلاب را متزلزل و شرایط رابرای بازگشت ضد انقـلاب آماده سازنـد .

ما در نامه‌سرگشادهٔ نامبرده یادآور شدیم‌که ضدانقلاب تمام تلاش‌های جنایت‌بار خودرا ازیکسو زیر پوششی از عوام‌فریبی مذهبی وازسوی دیگرزیر ماسکی از چپ‌نمائی وسوء استفاده از مسئله حقوق ملی خلق‌ها درایران متمرکز ساخته است وبا برنامه‌ای دقیق می‌کوشد نیروهای ضد امپریالیستی رااز این دو سمت به‌جان هم اندازد . متاسفانه باید اذعان‌کردکه بسیاری ازنیروهای وفادار به انقلاب به‌جای تمرکز نیروها درجهت سخت‌گیری اصلی انقلاب ، مسائـل فرعی را مطرح ساختند .

رویدادهای هفته‌های اخیر نشان میدهدکه ضدانقلاب درراه رسیدن‌به‌هدفهای خائنانه خود به‌کامیابی بزرگی رسیده وتوانسته است جنبش انقلابی میهن ما را با بحرانی جدی روبرو سازد و به خود مشغول کند .

به هر تقدیر ،ما امروزدر مقابل این واقعیت هستیم‌که ازیك سو حملهٔ وسیعی از طرف نیروهای انحصار طلب راست برای سرکوب آزادی و دردرجه اول آزادی نیروهای راستین انقلابی چپ وحتی بخشی ازنیروهای انقلابی که زیر پرچم اسلام مبارزه می‌کنند ، آغازشده وازطرف دیگرکردستان به صحنه‌ای از جنك داخلی و برادرکشی مبدل گشته‌است .

در آن بخش که مربوط‌به جلوگیری ازانتشار قسمتی از مطبوعات ومحدود کردن فعالیت عده‌ای ازگروه‌های سیاسی است ، این‌طورگفته می‌شودکه گویا این حمله برای جلوگیری ازفعالیت ضدانقلاب است . متاسفانه واقعیت مؤیدکامل‌این ادعا نیست . درست است‌که دربارهٔ بخشی از روزنامه‌های توقیف شده‌وگروه‌های سیاسی هواداران‌شان . دعاوی دادستان تهران صدق می‌کند ، ولی درمورد بخش دیگری ازاین مطبوعات و سازمان های سیاسی ، از جمله حزب تودهٔ ایران‌وروزنامه مردم وسایر روزنامه‌های وابسته به حزب تودهٔ ایران، واقعیت درست در جهت مخالف این دعاوی است. حملهٔ وسیع به سازمان‌های حزب تودهٔ ایران در سراسر ایران، توقیف روزنامهٔ مردم، ارگان مرکزی حزب ما، بازداشت، شکنجه وضرب و جرح دهها ودهها نفراز هواداران حزب تودهٔ ایران در قصر شیرین و کرمانشاه و شهر های دیگر غرب، بـازداشت واعدام بی‌رسیدگی و محاکمه دوتن از هواداران حزب تـودهٔ ایران که به تصدیق اکثریت مـردم کرمانشاه کـوچکترین رابطه ای با گروه های افراطی وجریانـات کردستان نـداشته اند ، همه نشان می دهـد که هدف واقعی نیروهای انحصارطلب راست به هیچ وجه ضدانقلاب ، یعنی‌عمال امپریالیسم آمریکا ، صهیونیسم وارتجاع سیاه رژیم شاه نیست .

حزب تود ةایران همواره پی‌گیر ترین مبارز علیه امپریالیسم امریکـا و صهیونیسم وارتجاع سیاه پهلوی بوده است .مااافتخار می‌کنیم‌که دردوره‌ای‌طولانی، حزب مایگانه سنگر مبارزان ضدامپریالیسم آمریکا بوده است . محدودکـردن فعالیت چنین حزبی کمکی است درجهت بازکردن راه برقراری مجدد تسلط امپریالیسم آمریکا برایران . تاریخ نشان داده است‌که آغاز تسلط همه جانبه امپریالیسم آمریکا برکشور ما ،ازکشتار درآذربایجان وکردستان و غیرقانونی کردن حزب تودهٔ ایران آغازگردید .

دراین زمینه ما خواستارآن هستیم‌که به‌کلیه تضییقات علیه حزب تودهٔ‌ایران پایان داده شود، از روزنامه مردم وسایر روزنامه‌های وابسته به حزب تودهٔ ایران و مراکز حزب رفع توقیف به‌عمل آید ، به‌دادستان‌های انقلاب و مسئولین دیگر شهرستان‌ها دستور داده شودکه فعالیت حزب‌تودهٔ ایران رامورد حمایت قانونی قرار دهند و از حملات و تجاوزات‌گروه‌های افراطی و عناصر ساواك وارتجاع جلوگیری به‌عمل آورند . ما خواستار اجرای‌کامل‌رهنمودهای امام خمینی دراطلاعیه یازده ماده‌ای مورخه ششم شهریور ماه ۱۳۵۸ دربارهٔ تامین آزادی و فعالیت‌های سیاسی واجتماعی هستیم .

بخش دیگر مربوط به‌کردستان است . به‌نظرما مسئله‌کردستان ایران ، مسئله دیروز وامروز نیست . مسئله‌کردستان ایران یك مسئله بفرنج تاریخی ، جغرافیائی ومالی است . حزب تودهٔ ایران اولین حزب سیاسی ایران است‌که پس از سرنگونی دیکتاتوری سیاه رضا خان ، پایان دادن به‌محرومیت‌های ملی‌خلق‌های غیرفارس رادرایران ، به‌عنوان یکی ازگره‌های مهم سیاست داخلی ایران ، مطرح ساخت ویگانه راه عقلانی‌گشودن‌این‌گره راکه واگذاری خودمختاری فرهنگی و اداری در چهارچوب رعایت‌کامل وبدون خدشه تمامیت ارضی ، وحدت ملی و مرکزیت قدرت دولتی است، نشان داد . حزب تودهٔ ایران اعتقاد راسخ دارد که خلق‌کرد در ایران تنها در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل می‌تواند به محرومیت‌های ملی‌خود پایان بخشد . هرگونه‌کوشش برای‌پیداکردن راه حلی خارج از چهارچوب مبارزه عمومی همهٔ مردم ایران برای بدست آوردن استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی، راهی است خطا، پررنج ، پر تلفات و بی‌نتیجه . اکنون دهها سال است‌که‌مردم‌کردستان برای‌پایان‌دادن‌به‌محرومیت‌ها ی ملی‌واجتماعی‌مبارزه می‌کنند و دراین راه تلفات و قربانی‌های فراوان و سنگینی داده‌اند . تجربه همین‌مبارزات و مبارزات ملی درسایرکشورها به‌خوبی نشان می‌دهد که ازبین رفتن محرومیت‌های ملی خلق‌های محروم درکشوری نظیر ایران تنها درجریان مبارزه بـرای تـامین استقلال و آزادی برای همهٔ مردم‌کشور امکان‌پذیر است .

حزب توده ایران برآن است‌که خلق‌های محروم ایران تنها از راه هماهنگی باسایر نیروهای ضدامپریالیستی، آزادیخواه وخلقی، تنها ازراه تلاش برای ایجاد جبههٔ متحد نیروهای خلق، ازراه مبارزه متحد پیروزمند ضدامپریالیستی ودمکراتیك می‌تواند به محرومیت‌های ملی موجود پایان بخشد.

حزب تودهٔ ایران برآنست که ازراه سرکوب وکشتار ممکن است «آرامش» برقرار ساخت، ولی نمیتوان مسئلهٔ ملی را نه‌درکردستان ونه درسایر نقاطی‌که در آن‌ها محرومیت‌های ملی مطرح است، حل نمود.

حزب تودهٔ ایران برآن‌است‌که درحوادث کردستان علاوه بر خواست‌هـای مشروع خلق‌کرد برای پایان دادن به محرومیت‌های ملی وعقب‌افتادگی اجتماعی واقتصادی وفرهنگی، که محصول رژیم سیاه وابسته به امپریالیسم «شاهنشاهی» است، تحریکات عوامل رنگارنك امپریالیسم وصهیونیسم وارتجاع نقش مهمی داشته وداره. این عوامل هم‌اکنون دست اندرکارندکه هرلحظه بحران راشدیدتر سازند، بااقدامات تحریك‌آمیز وحادثه‌آفرینی ازیك‌سو وبااشاعه اخبار دروغ و تهییجی ازسوی دیگر بروخامت اوضاع بیفزایند، راه حل‌های مسالمت آمیز را غیرممکن سازند، آب ازآلوده کنند وخود ازآب گل‌آلود ماهی بگیرند. باید این نقشهٔ شیطانی عوامل ضدانقلاب را، درزیر هرماسکی‌که عمل می‌کند، به دقت دید وخنثی ساخت. وظیفهٔ تاریخی رهبر انقلاب وهمهٔ نیروهای راستین هوادار انقلاب است‌که بین این دوجریان خط فاصل دقیق بکشند واین دوجریان را که یکی خلقی، مشروع وبه‌حق است ودیگری خصمانه، ضدانقلابی وجنایت بار، از هم جدا سازند ودرمورد هرکدام روش سیاسی جداگانه‌ای برگزینند. این است موضع‌گیری اصولی ما، برپایهٔ همین موضع‌گیری اصولی حزب تودهٔ ایران باتوجه به اهمیت موضوع، ضمن ابراز آمادگی درکار بردن تمام کوشش وامکانات خود برای حل وفصل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان، پیشنهاد می‌کند:

۱ـ بی‌درنك وهمزمان، به عملیات نظامی ازدوطرف پایـان داده شود و آتش‌بس اعلام گردد ؛

۲ـ محاکمه وصدور رای دردادگاههای انقلاب کردستان متوقف گردد؛

۳ـ مذاکرات به منظور پیدا کردن راه حل سیاسی برای رسیدن به هدفهای مبرم زیر آغاز شود :

الف ـ تامین خواست‌های به‌حق ومشروع مردم کردستان درزمینه پایان دادن به محرومیت‌های ملی .

ب ـ تامین اتحاد همهٔ نیروهای راستین انقلابی برای ریشه‌کن ساختن و نابودکردن عوامل امپریالیسم، صهیونیسم وارتجاع ورژیم پهلوی در منطقـه کردستان و سراسر ایران .

به‌نظر حزب تودهٔ ایران این یگانه راهی است کـه بـه تحکیم، تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران کمك موثر می‌رساند وآنرا به سمت‌گیری اصلی خود، یعنی سمت‌گیری علیه امپریالیسم، به‌سرکردگی آمریکا، وصهیونیسم وبازماندگان رژیم سرنگون شده‌ـ یعنی همان سمت‌گیری‌که امام خمینی چه پیش ازپیروزی وچه پس ازآن همواره برآن تکیه کرده‌اند ـ بازمی‌گرداند وشرایط لازم رابرای اتحاد همهٔ نیروها، اتحادی‌که اما م‌خمینی.همیشه به‌عنوان شرط عمده برای پیروزی قطعی انقلاب یادآور شده‌اند، فراهم می‌سازد.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۶ شهریور ۱۳۵۸

اطلاعیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

به‌مناسبت درگذشت نابهنگام آیت‌الله‌العظمی سید محمود طالقانی

آیت‌الله‌العظمی سید محمود طالقانی، دانشمند بزرگ، مجاهد نستوه، رئیس شورای انقلاب آزمایش مارفت وجامعهٔ ما را درغمی بزرگ فرو برد. تاریخ ایران چنین سوگواری عظیم وپردردی رابیاد ندارد، در تاریخ جهان نیزچنین سوك بزرك وعمیقی کم‌نظیر است.

علت این‌همه محبت مردم به آیت‌اله طالقانی چیست؟ پاسخ این پرسش رابابد درعقاید واندیشه های روشن طالقانی ودرصداقت وپی‌گیری اودر جهاد بخاطر معتقداتش جست‌وجو کرد. اوتمام عمر درراه مردم، علیه هرگونه استبداد واستعمار رزمید. اواهمیت واقعی اتحادنیروهای انقلابی را زیر رهبری امام خمینی درك کرد وباتمام قواکوشید تااین نیروهارا بهم نزدیك سازد، پلی میان آنها ببندد، حلقهٔ رابط وتحکیم کننده اتحاد نیروها باشد.

آیت‌الله طالقانی یکی ازروشن‌بین ترین رهبران انقلاب کنونی ایران بودکه معنای انقلاب را باعمق تمام درك کرده، حاضر نبود خودرا باکلیات دل‌خوش کند. اومی‌گفت :

همه می‌گوئیم انقلاب اسلامی، بپرسید هدف چیست؟ هنوز مشخص نشده است... برنامهٔ علی برنامهٔ قبل ازانقلاب مدینه بود. نه مثل ماسلمان هاکه اول انقلاب کردیم وحالا می‌نشینیم که برنامه معین کنیم.»

خود آیت‌اله‌طالقانی ازکسانی نیست که ندانند هدف انقلاب چیست. اوبرنامهٔ انقلاب اسلامی رااز قبل برای خود روشن ساخته وسالها باپی‌گیری آنرا دنبال کرده بود. اوخواستار استقرار جامعهٔ «عدل وقسط» بود. اومی‌خواست که:

«نظامات فاسد وفاصله‌ها فروریزد... ترکیب اجتماعی جدیدی به‌وجود آید، یعنی اجتماعی انقلابی، اجتماعی پیش‌رو...»

برای طالقانی همهٔ این مفاهیم معنای‌دقیق وروشن‌اجتماعی داشت. اودربارهٔ تاریخ تکامل جامعهٔ بشری می‌گفت:

«سرشتهٔ پول که به‌دست طبقه‌ای می‌آید، سرشته‌های سرمایهٔ انسانی وطبیعی وحکومت هم به‌دنبال آن به‌دست همین طبقه قرار می‌گیرد... وحدت ویگانگی اجتماعی مبدل به تفرقه واختلاف وطبقات متضاد می‌گردد. طبقهٔ محروم وبی‌نوا دربرابر طبقهٔ مالك ومتصرف دراموال ونفوس، که حکومت رادر دست دارند، صف‌بندی می‌کنند.»

طالقانی این «صف‌بندی» طبقاتی وقیام مردم محروم را تاییدمی‌کرد وحتی قیام مافی ومزدك رامی‌ستود. درنظر او همه قیام های طبقات محروم وملل ستم دیده درهرنقطهٔ جهان وصرف‌نظر ازاین‌که زیر چه پرچمی باشد، اسلامی است:

«هرانقلاب علیه ظلم واستبداد وعلیه استثمار، درهرجای دنیاکه باشد، همیشه درنظر مایك انقلاب اسلامی است.»

دراین انقلاب اسلامی که به گفتهٔ طالقانی «وافق برنامهٔ علی‌بن ابی‌طالب است :

«خودخواهانی که برگردهٔ مردم سوارند باید به‌زیر کشیده شوند، مستکبرین خودخواه وسرمایه‌داران غارتگر باید دنبال کارشان بروند، گرچه طلحه وزبیر باشند.»

«درتزکیب‌جدیداجتماعی» جائی‌برای این‌سرمایه‌داران غارتگر وملاکین ومستکبرین نیست. آیت‌اله طالقانی از «قدرت کارگری» که «دردل دستگاه صنعتی نطفه می‌بندد وبه یك قدرت فعال بدل می‌شود» سخن می‌گفت. درجامعهٔ اسلامی مورد نظر آیت‌اله طالقانی قدرت بایددردست مردم‌باشد، مردمی که درشوراهامتشکل می‌شوند:

«مسئله شوراها یکی ازاساسی‌ترین مسائل‌اسلامی است... بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند، این‌مردم‌هستند که کشته‌داده‌اند.»

جامعهٔ موردنظر آیت‌اله طالقانی جامعه‌ای است آزاد، که در آن جائی برای هیچ‌نوع استبداد وخفقان نیست. اوباحساس درد به‌یاد می‌آورد که :

«ادیان پس از انحراف از اصول دعوت داعیان به‌حق ودور شدن از سرچشمهٔ تعالیم پیغمبران به‌حق، وسیله‌ای برای‌ستمگری وظلم وحق‌کشی شده‌اند.»

اوهشدارمی‌داد که حساب این‌تعالیم‌را ازسوء استفاده کنندگان جداکنیم ومراقب باشیم که امروز یك‌بار دیگر چنین نشود :

«اگربرنامهٔ علی درانقلاب اسلامی ما پیش نرود، باید به‌طور یقین بدانید که به‌جای اول برخواهیم گشت.»

طالقانی می‌گفت :

«اسلام دین سعهٔ‌صدر وبینش وسیع است. کتاب ما برای‌همهٔ بشر است.»

اما ناآگاهان کاررا خراب‌می‌کنند. طالقانی درخطبه‌ای که روز هفدهم شهریور دربهشت‌زهرا خواند وبایدگفت که وصیت نامهٔ اوست، از «استبدادی که زیرپردهٔ دین» عرضه می‌شود، نالید وآن را «خطرناك‌ترین تحمیلات» نامید وگفت :

«هنوز مردم مستضعف ما باورنمی‌کنند که رسالت اسلام و انقلاب ما آزادی است. چون کم‌تر عمل دیده‌اند.»

آیت‌اله‌طالقانی درآنچه در بارهٔ سعهٔ‌صدر اسلام می‌گفت نیز مانند همهٔ موارد. دیگر صادق وصمیمی بود ودر زندگی بدان عمل می‌کرد. اوخود آثار مارکسیستی را می‌خواند ومی‌گفت:

«ما درنفی استثمار واستعمار ودفاع ازآزادی با مارکسیست‌ها عقاید مشترکی داریم. آنچه قبول نداریم اصالت ماده است.»

ودر مواردی هم که عقاید مشترك نباشد، طالقانی بحث و تبادل نظر را ممکن وسودمند می‌شمرد ومی‌گفت :

«من‌نظرهای انتقادی خودرا (دربارهٔ اقتصاد مارکسیستی) عرضه می‌دارم‌وانتظار دارم که اگراشتباه درفهم ونقدپیش‌آید هدایتم کنند.»

وپس از ابراز نظر، اضافه می‌کرد :

«جواب‌روشن محققین جهان بینی مارکسیسم را انتظاردارایم.»

چنین بود بزرگواری وسعهٔ صدر دانشمندی که به‌عقاید خویش و صداقت بیانش اعتماد داشت.

یکی ازبرجسته‌ترین خصوصیات آیت‌اله طالقانی، که محبت واحترام عمیق همهٔ مبارزین راستین انقلابی رابرمی‌انگیخت، اعتقاد عمیق اوبه ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی بود. اونه در حرف، بلکه درعمل تمام‌نیروی شگرف خودرا علیه تفرقه‌اندازان، ازهرطرف که باشند، چه‌چپ نماهای خرابکار وچه راست‌گرایان افراطی، به کارمی‌برد وبا اشاره به‌وصیت علی‌بن‌ابی‌طالب می‌گفت :

«مردم نادان این‌قدر سربه‌سر هم نگذارید. تفتیش عقاید نکنید. کسی‌که به‌شما واسلام سلام می‌کند، نگوئید مسلمان نیست ... کاری نکنید که آگاهانه ویا ناآگاهانه از دین اسلام عزیز، اسلامی‌که همه را ازشرکت درپلیدی نجات می‌دهد، برای ماخرده‌گیری کنند. گروهی که به‌نام دین به‌جوامع واجتماعات حمله می‌کنند، آن‌هائی که کتاب‌ها راآتش می‌زنند ... یا مسلمان های ناآگاهند و یا آلت دست .»

طالقانی تاکید می‌کرد :

«اهداف احزاب وجمعیت‌ها چیست؟ چرا باید مقابل هم قرار گیریم. این مقابله‌ها وموضع گیری‌ها، هرچند باحسن نیت باشد، پشت سر آن دست استعمار است... اسلامی‌که ما می‌شناسیم اسلامی‌که ازقرآن وسنت پیغمبر سرچشمه گرفته، هیچ‌گونه آزادی را محدود نمی‌کند.»

اعضاء ورهبران حزب تودهٔ ایران، که سال‌ها در زندان‌های رژیم منفور پهلوی باآیت‌اله طالقانی همزنجیر بوده‌اند، همواره به این خصوصیت پاك وانقلابی وی ارج می‌گذاشتند. آنان ازعلاقهٔ صمیمانهٔ آیت‌اله طالقانی به‌اتحاد همهٔ نیروهای انقلابی واحتراز از تفرقه، که «شرك» است، خاطرات روشنی دارند .

آیت‌اله طالقانی فقط به‌داخل کشور نظر نداشت، او قبل‌از هرچیز ، اهمیت نفوذ فلاکت بار امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را درك می‌کرد. تمام عمر پربار او مالامال از نبرد علیه امپریالیسم است. طالقانی به‌روشنی تمام درك واعلام می‌کرد که :

«سرنوشت مردم ایران همان سرنوشت مردم کوبا، سرنوشت مردم فلسطین وسرنوشت همهٔ کشورهای اسلامی است... آنچه نگرانی ایجاد می‌کند،مربوط به‌عقده‌های چرکینی‌است که‌امپریالیسم به‌نام اسرائیل وصهیونیسم و آفریقای جنوبی در مناطق حساس جهان، مستقر کرده است .»

طالقانی می‌خواست که جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی ضدامپریالیستی داشته وحامی همهٔ جنبش‌های رهائی‌بخش باشد، او صادقانه خواهاد صلح بود وجنك راجز درمقام‌دفاع دربرابر تجاوز امپریالیستی جایز نمی‌شمرد :

«مملکت ماکشور علی است... تمام جنك‌های علی دفاع بود. آیا این نباید سرمشق برای ما مسلمان‌ها باشد که به‌کسی‌تهاجم نکنیم. »

باکمال تأسف وتأثر آیت‌اله طالقانی دیگر درمیان ما نیست. اودر یکی از حساس‌ترین روزها و لحظات انقلاب ایران باچشمی نگران ما را ترك‌گفت. «این ضایعهٔ بزرك وجبران‌ناپذیر را به‌همهٔ مردم ایران وبه رهبرانقلاب، امام‌خمینی، وبه‌بازماندگان فقیدسعید صمیمانه تسلیت می‌گوئیم. درشب قدر، که آن‌قدر برایش عزیز بود، طالقانی ازشدت هیجان وبا احساس خطر نزدیك فریادبرآورد:

«می‌خواستم‌گریه کنم، همان ملتی‌که آن یگانگی و وحدت وشوری راکه داشت، بتدریج تبدیل به‌خصومت، جبهه‌گیری و عداوت می‌کند.»

اینك‌که این بزرك مرد صدیق وروشن بین انقلاب ایران را از دست داده‌ایم، بکوشیم تا یگانگی ووحدت را به‌صفوف خود برگردانیم واز جبهه‌گیری وعداوت بپرهیزیم. ما بارها تصریح کرده‌ایم که رکن اصلی مشی انقلابی حزب تودهٔ ایران، تحکیم صفوف نیروهای انقلابی دربرابر خطر ضدانقلاب وتحریکات و توطئه‌های امپریالیسم ، صهیونیسم وعمال‌آن‌هاست. «بارها تصریح کرده‌ایم وباز هم‌تصریح می‌کنیم که پیشنهاد تشکیل جبههٔ متحد خلق، که حزب ماهمطرح می‌کند، خصلت زودگذر تاکتیکی‌ندارد. میان نظریات ما ونظریات رهبرانی چون طالقانی وجوه مشترك فراوانی موجود است که امکان همکاری عملی و صادقانه رابرای حفظ ، تحکیم وگسترش انقلاب فراهم می‌کند.

ما ازجانب خودباتمام قوا دراین‌راه می‌کوشیم ویك باردیگر دست اعتماد خودرا به‌سوی تمام‌نیروهای صدیق انقلابی ، به‌سوی تمام پیروان آیت‌اله طالقانی وبه‌سوی کسانی‌که به‌رهبری قاطع امام خمینی در نبرد برضد امپریالیسم ، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا وصهیونیسم وبازماندگان رژیم‌پهلوی وبرای‌استقلال‌وآزادی وعدالت بزمین‌ما معتقدند، درازمی‌کنیم. بیائید روی آنچه که میان ما مشترك است، تکیه کنیم وصفوف خودرا دربرابر توطئه‌های امپریالیسم و برای دفاع از انقلاب ایران متحد سازیم .

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۲۰ شهریور ماه ۱۳۵۸

توصیه به‌رفقای حزبی، هواداران‌ودوستان در مورد اخباری که‌برای «مردم» می‌فرستند

بسیاری ازرفقای حزبی وهواداران ودوستان حزب، درزمینه‌های گوناگون‌برای «مردم» خبرمی‌فرستند، که‌موجب تشکر فراوان‌است.

«مردم» براساس اطمینان و اعتمادی که به‌رفقا و هواداران ودوستان دارد، ازاین خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به‌صحت اخبارهم،چون‌تکیه به‌اینکه‌فرستندگان اخبار وگزارشها مسئولیت خطیرخود رادراین‌زمینه بخوبی درك می‌کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متاسفانه تاکنون درچندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق‌نبوده است. ازآنجا که«مردم»روزنامه‌ای مسئول ودرمیان مردم صاحب‌نفوذ واعتبار است، و از آنجا که درشرایط بسیارحساس کنونی اخبار نا دقیق‌ممکن است موجب سوءتفاهم شود ونتایج ناگواری ببار آورد و نیز به نفوذ واعتبار حزب‌لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هوا- داران‌ودوستان‌خواهشمندیم که‌درکسب‌و تهیه‌خبر نهایت‌دقت رامبذول دارند. باسپاس «مردم»

کارگران شرکت ساختمانی پودونك حقوق ومزایای خودرا میخواهند

شرکت‌ساختمانی پودونك‌درنزدیکی پل‌فساواقع است. حدود ۸۰ نفر ازکارگران این شرکت، که اکثراً بین ۱۸ماه تا ۳ سال سابقه‌کار دارند، خواهان دریافت مزایا وحقوق خود هستند. این شرکت، بنابگفته یکی‌ازکارگران، به‌صاحب‌دیوانی تعلق داشته‌است، که از ایران فرار کرده ویکی از نزدیکان شاه سابق بوده است.

شرکت مزبور ۹ماه است‌که تعطیل‌ودرحال حاضر درتصرف دولت است.

اعلامیه کمیته‌مرکزی حزب‌تودهٔ‌ایران بمناسبت سالگرد ۱۷ شهریور جمعه خونین

بقیه ازصفحه ۴

ما،درمعرض خطر عظیمی قرار گرفته است.

رژیم سرنگون شده ولی نابود نشده، امپریالیسم ضربت دیده ولی ازپای درنیامده‌وباتمام نیروی اهریمنی خود و باتمام وسائل وامکاناتی که‌باکمال تاسف هنوز باندازه‌کافی دراختیاردارند می‌کوشند آنان‌نیز واحدی را، که درست بعلت وحدت خود حماسه آفرید ودشمن قدرتمند را بزانو درآورد، پاره پاره کنند، صفوف متحد خلق را ازهم جدا سازند، نیروهای انقلابی را بجان هم اندازند، و براین زمینه، که چونی جز تضعیف‌جنبش انقلابی مردم ایران را بدنبال ندارد، آب رفته را بجوی باز گردانند.

از زیر ضربه خارج کردن امپریالیسم‌امریکا، این‌دشمن‌اصلی وواقعی مردم‌ایران، پیش‌کشاندن خطر واهی‌کمونیسم، برافروختن جنك برادرکشی درکردستان و عواقب دردناك آن، هجوم به آزادیهای‌دمکراتیك، متهم‌ساختن و زیر ضربه قراردادن نیروها و سازمانهای اصیل انقلابی و ضد امپریالیستی ــ ازجمله‌حزب‌تودهٔ ایران ــ توطئه، تحریك، اخلال وخرابکاری‌درتمام شئون اجتماعی به‌منظور فلج کردن، بدنام‌کردن و منحرف ساختن‌انقلاب، مکمل‌این نقشه اهریمنی است.

هموطنان عزیز !

درسالگرد جمعه خونین، در تجلیل ازخاطره تابناك شهیدان، صف متحد وندای استقلال‌طلبانه وآزادیخواهانه آنان‌را بیادآوریم و با تمام نیروی خود بکوشیم که نقشه اهریمنی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم وبازماندگان رژیم پهلوی را درتفرقه‌افکنی بین‌نیروهای انقلابی، در زیرپاگذاشتن دستاوردهای انقلاب خنثی‌سازیم. باخواست تشکیل جبهه‌متحد خلق برای‌دفاع‌از دستاوردهای‌انقلاب، برای ریشه‌کن ساختن سلطه امپریالیسم، بسرکردگی‌امپریالیسم آمریکا، وصهیونیسم ونابود ساختن بقایای رژیم پهلوی، برای تأمین وتضمین استقلال ملی وآزادیها و حقوق دمکراتیك، برای نوسازی اقتصاد ملی درجهت‌تحکیم‌استقلال اقتصادی وبهبود زندگی زحمت- کشان، برای‌تأمین وتضمین‌حقوق ملی خلقهای ایران در چارچوب ایران واحد وحفظ تمامیت‌ارضی کشور ــ یعنی همان خواستهائی که ازجانب امام‌خمینی بعنوان محتوای جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است ــ در مراسمی‌که بمناسبت یادبود ۱۷شهریور،جمعهٔ خونین،برگزارمی‌شود، شرکت‌کنیم

جاودان بادخاطره‌تابناك شهیدان ۱۷شهریور!

برقرارباد جبهه متحد خلق دردفاع ازدستاوردهای انقلاب بزرك مردم ایران!

کمیتهٔ مرکزی
حزب‌تودهٔ ایران
۱۵ شهریورماه ۱۳۵۸

دولت موقت در مبارزه میان مالکان و دهقانان باید حامی دهقانان باشد نه مالکان

درروستای «دهعباس»، یکی ازروستاهای سنقر کلیائی (ازاستان کرمانشاهان)، بین دهقانان ومالك آنجا درگیری پیش آمده بود. اختلاف برسر این بودکه دهقانان خواستار بازگرداندن زمینهائی بودند که درزمان رژیم منفورشاه بعنوان «چهاریك» ازآنها گرفته شده وبه مالك داده شده بود. دهقانان همچنین خواستار تخصیص محصول امسال‌این زمینها به‌کسانی بودندکه روی این زمینها کارکرده وبرای بارآوری محصول‌آن زحمت کشیده‌اند. برای حل این اختلاف، ازسنقر تعدادی ازافرادکمیته به «ده عباس» آمدند ولی متاسفانه بجای جانبداری ازدهقانان دربرابر مالك و کوشش برای حل اختلاف بسود زارعین، که وظیفه اصلی کمیته‌های انقلاب است، به‌خواست برحق دهقانان توجهی نکردند واین امر کشمکش‌هائی راموجب گردید.

دهقانان روستای «دهعباس» وروستاهای اطراف آن خواستار آن هستندکه دولت تقاضاهای مشروع‌آنان رابرآورد وحقوق ازدست رفته آنهارا به آنها باز- گرداند. دهقانان بحق ازدولتی‌که براثر سرنگونی رژیم منفور وضبد مردمی پهلوی برسر کارآمده ، توقع دارندکه در مبارزه های حق‌طلبانه میان آنها و مالکان، جانبدار آنان باشند.

مسئله زمین یکی ازعمده‌ترین مسائل غرب کشور است. باید هرچه قاطعتر وسریعتر بایـن مسئله برای یافتن راه حل نهائی آن توجه شود. این راه حل تنها یکی است: واگذاری زمین بخود دهقانان وکوتاه کردن دست مالکان. کمیته‌های محل هنگامی شایسته نام انقلابی خواهند بودکه ازدهقانان زحمتکش دفاع‌کنند جلو زورگوئی مالك را بگیرند وازحق مسلم وبی‌چون وچرای دهقانان به داشتن زمینی‌که روی‌آن کار میکنند ومحصولی‌که ثمره کار خودشان است، پاسداری کنند.

رفقای حزبی ! هواداران و دوستداران‌حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و ...) منتشره در «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را با استفاده ازتمام امکانات، بوسیع‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده های‌مردم‌برسانید. درشرایط حساس‌کنونی این یك وظیفه مبرم انقلابی است.

«مردم» روزانه شد

هموطنان! رفقای حزبی! هـواداران و دوستان حزب!

باآغاز سی‌ونهمین سال تاسیس حزب‌تودهٔ ایران، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب، بغیر ازروزهای تعطیل، روزانه منتشر میشود. انتظاردارایم که باکمك معنوی‌ومادی به«مردم» وبویژه پخش هرچه وسیعتر آن، به انجام وظایف خطیری که «مردم» درپیشبرد مشی حزب‌ودردفاع‌ازانقلاب بزرك‌مردم‌ایران‌برعهده دارد، یاری‌رسانید.

«مردم»

اتحاد شوروی بامداخله هر کشور خارجی درامور داخلی ایران مخالف‌است

مجموعه سخنان لئونید برژنف دبیر کل حزب‌کمونیست وصدر هیئت رئیسه شورایعالی اتحاد شوروی درباره انقلاب ایران‌وسیاست خارجی دولت شوروی نسبت به ایران نوین وانقلابی درجلد هفتم مجموعه آثار رهبر شوروی انتشار یافت.

لئونید برژنف گفته است: اتحاد شوروی باقاطعیت تمام‌اعلام میکند که بامداخله هرکشور بیگانه درامور داخلی ایران، بهر شکل وبهر بهانه‌ای‌که باشد، مخالف است. دراین کشورحوادث صرفا داخلی روی میدهد ومسائل مربوط باین وضع باید توسط خود ایرانیان حل شود، همه کشورها باید حق حاکمیت واستقلال ایران وملت ایران رامحترم بشمارند.

درجلد هفتم مجموعه آثار برژنف آمده است: فقط دشمنان ترقی مایل نیستندکه ریشه‌های ملی این دگرگونیها را ببینند. هنگامیکه رژیمهای پوسیده گوش بفرمان آنها از پای‌بست فرو میریزند، آنها هر کس وهرچیز، یعنی هرکشورهای سوسیالیستی، هم تشنج زدائی وحتی عقاید مذهبی رامقصر وسبب این جریان میشمارند. حال آنکه درواقع اگر نیروهای خارجی مقصر این‌امر باشند، باید همانا امپریالیسم وهمدستان آنها نام برده شوند. این همان نیروهائی هستندکه باتمام قوا میکوشند رژیمهای ضدمردمی وخونخوار وستمگر راحفظ کنند. همین نیروها درامور داخلی دیگر کشورها مداخله میکنند.

لئونید برژنف پیروزی انقلاب ایران رامورد توجه خاص قرار داده وآنرانقلاب مردمی وضدامپریالیستی ورهائی‌بخش ملی توصیف کرده و خط مشی کلی سیاست خارجی شوروی رانسبت به ایران نوین مشخص میسازد.

وی تاکید کرده است: ماهم مانند دیگر طرفداران واقعی صلح، ترقی‌واستقلال ملت‌ها، پیروزی این‌انقلاب‌راشادباش میگوئیم، زیرااین انقلاب رژیم مستبد وظالم، رژیمی راکه براثر سیاست آن، کشور مورد استثمار قرار گرفته وبصورت تکیه‌گاه امپریالیسم خارجی درآمده بود، سرنگون ساخت.

ماموفقیت وپیشرفت وشکوفائی‌ایران نوین‌انقلابی راآرزومندیم وامیدواریم مناسبات حسن همجواری موجود میان ملل‌اتحاد شوروی وایران درشرایط تازه وبراساس استواری تحکیم و گسترش یابد .

(نقل از روزنامه کیهان مورخ ۸ مهرماه ۱۳۵۸)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد اجلاس سالانه خود را آغاز کرد

هفتم مهرماه، مباحثات پیرامون مسائل سیاسی عمومی دراین مجمع آغاز گردید. درهفته گذشته برنامه‌کار ۱۲۵ ماده‌ای‌که در این اجلاسیه مجمع عمومی مورد بحث وبررسی قرار میگیرد ، بتصویب رسید. مسائل مهمی که باسرنوشت همه خلقهای جهان ارتباط دارند، یعنی مسئله مربوط به‌جلوگیری ازجنك هسته‌ای، مهار کردن مسابقه تسلیحاتی، تقویت مبانی صلح وامنیت جهانی ـ وبنابه پیشنهاد دولت اتحاد شوروی ـ عقد پیمان منع کامل وهمه جانبه آزمایشهای سلاحهای هسته‌ای، عهدنامه بین‌المللی برای تضمین امنیت کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای ومصونیت آنان از تجاوز هسته‌ای، منع برنامه ریزی وتولید جنك‌افزارهای جدیدکشتار جمعی، پایان بخشیدن به‌بقایای استعمار ونژادپرستی، از جمله مسائل مهمی هستند که دربرنامه کار اجلاسیه کنونی مجمع عمومی سازمان ملل متحد جای دارند.

دراجلاسیه کنونی مجمع عمومی مسایل مربوط به اوضاع قبرس، بحران خاورمیانه وپشتیبانی از مبارزه خلق عرب فلسطین بخاطر تحقق حقوق ملی این خلق مورد بحث وبررسی نمایندگان قرار خواهد گرفت.

کوشش‌های دولت دمکراتیك افغانستان درراه ریشه‌کن کردن بیسوادی

اکنون درروستاها وشهرهای افغانستان بنای ۶۷۰ آموزشگاه جدید دردست ساختمان است. طی دورانیکه ازانقلاب دمکراتیك دراین کشور میگذرد، ازجانب وزارت آموزش وپرورش جمهوری دمکراتیك افغانستان، متجاوز ازپانصد میلیون افغانی برای رفع نیازمندیهای آموزشی بمصرف رسیده است.

رهبر سیاه پوستان امریکا سیاست تجاوزگرانه اسرائیل را محکوم میکند

جوزف لورینك، یکی ازرهبران سیاه پوستان امریکا، که در راس هیئتی به خاورمیانه مسافرت کرده است، عملیات تجاوزگرانه اسرائیل نسبت به خلقهای عرب رامحکوم کرد. لورینك خواستار برقراری تماس باسازمان آزادیبخش فلسطین شد. وی گفت‌که در این مسافرت، طبق شواهد زنده، یقین حاصل کرده است که اسرائیل بااسلحه امریکائی آماجهای غیرنظامی درلبنان راویران میکند ودرراه نابودی رزمندگان فلسطین میکوشد .

همکاریهای اقتصادی جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی

سخنگوی دبیرخانه شورای همیاری اقتصادی کشور های سوسیالیستی اعلام کردکه کشورهای عضو این سازمان اقتصادی بین‌المللی قصد دارند میزان تولید نیروی برق راطی دهسال آینده دوبرابر افزایش دهند، طی دهه اخیر میزان تولید برق در این کشورها به صد میلیارد کیلووات ساعت افزایش یافته، درحالیکه درکشورهای عضو بازار مشترك دراین دوره میزان تولید نیروی برق ۳۰ میلیارد کیلووات ساعت بوده است .

مردم و مردم

درمدت یکماه واندی که «مردم» درتوقیف بدون دلیل و غیرموجه بسرمیبرد، طبیعتا دوستان «مردم» نیز نتوانستند انعکاس نامه‌های خودرا درمردم و«مردم» مشاهده کنند. ولی این امرمانع ازآن نبودکه سیل نامه‌های دوستان به آدرس «مردم» سرازیر نباشد ودوستان مارا ازاخبار ووقایع کشور، نظریات وتحلیل‌های خود آگاه نسازند. هرچند بسیاری از مطالب نامه‌های رسیده دیگر اکنون کهنه شده است، ولی هریك ازآنها روح همبستگی آگاهترین ودلسوزترین مردمان رادر مبارزه بخاطر استقلال وآزادی منعکس میسازد، در نگرانیهای مبارزان ضد امپریالیست، ضد استبداد وارتجاع از توطئه‌های امپریالیستها ومرتجعین شرکت میجویند، حقانیت مارا درمبارزهٔ سترگمان یادآور میشود وبر نیرو، شور وامید مامی‌افزاید. این نامه‌ها پیمان نامه‌های اتحاد، مبارزه پیگیر تاآخرین نفس بادشمن غارتگر وتوطئه‌گر، عشق به انسانیت و سعادت مردم‌اند. این نامه‌ها عظمت ودشواری راه سترگی را که حزب ما درمدت ۳۸ سال طی کرده به‌ما یادآور میشوند ومشحون ازایمان وایقان به فروغ ابدی این شعله سوزانند. امید است باانتشار مجدد «مردم»، که خود تاییدی برحقانیت و صحت راه «مردم» است، دوستان «مردم» نیز مارا چون گذشته بانامه‌های پرمهر وپرشور خود یاری رسانند.

• • •

دوستی باامضای «ناژو» درنامه‌اش صحنهٔ واقعی وزیبائی ازوفاداری، عشق وهمبستگی زحمتکشان رابه حزب خود، حزب تودهٔ ایران بیان داشته است. حزبی‌که زحمتکشان، آنهنگام که آنرا میبینند، تاپای جان بدان مومن باقی میمانند، بهروزی آنرا نیکبختی خود ومسخن آنرا رهنمون زندگی خود میدانند. اینهم‌نمونه‌ای ازریشه‌های مستحکم حزب مادرمیان زحمتکشان: «ناژو» مینویسد: «دررور رای‌گیری برای انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان بود. دریکی ازحوزه‌های رای‌گیری، داشتم نام کاندیداهای حزبم راروی ورقه رای مینوشتم که دستی به شانه‌ام خورد، برگشتم. مرد میانسالی بودکه چهره وهیات زحمتکشان راداشت. کاغذ تاشده‌ای راکه دردست داشت، بمن نشان داد وگفت: «لطفا اینهارا برای من بنویس»، پیدا بودکه سواد ندارد واسمها را قبلا داده بودبرایش بنویسند، ورقهٔ رای وکاغذ تاشده‌اش راگرفتم. کاغذ رابازکردم در صدرآن نام رفیق نورالدین کیانوری راخواندم، پس ازآن، رفیق احسان طبری وپنج رفیق دیگر. ودرآخرهم آیت الله طالقانی، آیت‌الله صادق خلخالی ومسعود رجوی، نامهارابرایش نوشتم. درتمام این مدت، بادقتی عجیب، نوشته‌های مرا با آنچه قبلا داده بود برایش بنویسند، ازنظر شکل ظاهر کلمات مقایسه میکرد تامبادا نام‌های دیگری دروروقه‌اش نوشته شود! وقتی تمام شد، کاغذ وبرك رای راباو برگرداندم. اما شور مقاومت ناپذیری که ازابتدا سراسر وجودم رافراگرفته بود، سرانجام مرابآن داشت تاورقهٔ رای خودم راپه اونشان بدهم وبگویم: «من‌هم همین‌هارا نوشته‌ام!» نامهای نوشته دربرك رای مرا خوب برانداز کرد. سربرداشت، بمن نگاه کرد و لبخند رفیقانه‌ای برچهره‌اش نشست.

• • •

ع.ج. که «بدلیل خصلت ضد امپریالیستی مشی حزب ما، تصمم به‌آغاز پاك همکاری صمیمانه با ما » گرفته است، ضمن یك نامه، ازتوطئه‌هائی‌که مدتیست ضدانقلاب و نیروهای سازشکار برعلیه انقلاب ماادراك دیده‌اند وبه انحاء مختلف چهرهٔ کثیف وخودفروختهٔ خائنی چون بختیاررا تطهیر میکنند، پرده برداشته است. دراین زمینه ما در «مردم» بسیار سخن گفته‌ایم وافشاگریهای اخیر نیز که ازجانب مقامات مسئول صورت گرفته حقایق بیشتری رادراین جهت مطرح ساخته است، ولی آنچه درنوشتهٔ دوست مانوشته است، یکی ازاین آقایان، طبق افشاگریهای مقامات مسئول، درزمان روی کار آمدن بختیار ازهیچگونه «فداکاری» دریغ نمیکرد، ودیگری، طبق نوشتهٔ دوست ما، درمصاحبه بامجلهٔ امیدایران (وبقول دوست ما «امید آمریکا») «شجاعت وشهامت، وی رادر تصمیم‌گیری بی‌حدوحساب» ستوده وازاینکه «کشور ما مردی مثل او را از دست داده (!) تاسف میخورد»، باید افزود که این رویه «همرزمان بختیار» نه‌امری بسابقه است ونه تعجب انگیز . برخی ازاینان چه دردوران مصدق وچه دردوران انقلاب اخیر ماناپیگیری خودرا دربارزه باامپریالیسم ودلبستگی خودرا به حفظ دربار و شاه ونیزدشمنی وستیزه جوئی‌خودرا بانیروهای راستین ضد امپریالیست همچون حزب تودهٔ ایران بکرات نشان داده‌اند. بهنگام حکومت دولت دکتر مصدق هم اینان بودندکه بجای مبارزه بادربار وامپریالیسم آمریکا، حمله به‌حزب تودهٔ ایران ،راکه غیرقانونی بود، در سرلوحهٔ شعارها واعمال خود قرار دادند وپس‌ازآنکه تاج وتخت سلطنت باتوطئه امپریالیسم و «بیطرفی» اینان ایفاگردید، هم آوا با «خدایگان اعلیحضرت ارواحنافدا» تودهٔ‌ایهارا «خائن» به منافع مردم خواندند. درطول این ۲۵سال مبارزه، که هیچگاه زندانها وشکنجه‌گاههای رژیم شاه ازتوده‌ایها خالی نبود، «سجده بر خاکهای مبارك ملوکانه» بردند وتنها زمانی‌که غرش رعدآسای انقلاب بساط تاج‌وتخت رابه برچیدن تهدید کرد، به‌این اندیشه افتادندکه «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» وسرانجام نیز زمانی به دورشدن «ظل‌الله» ازسرخود رضا دادندکه «اعلیحضرت قدرقدرت قوی شوکت» رامثل ازکشور بیرون رانده ودر تدارك ایجاد حکومت موردنظر خود بود، پس ازانقلاب نیز این آقایان به انحاء مختلف درامر گسترش انقلاب کار شکنی میکنند، «مشروطه بدون شاه» طلب میکنند، «قوانین گذشته را تاوقتی لغو نشده به‌قوت خود باقی» میدانند، راه خلاصی مملکت راازبحران کنونی، دعوت غارتگران فراری به‌کشور میدانند، درسخنرانی‌های خود ازامپریالیسم امریکا که باعث نابودی اقتصاد وکشورماست، اصولا اسمی نمیبرند، «بررسی»قراردادهای خائنان براندازوغارتگرانه باامپریالیسم آمریکا راآنقدر بطول میکشانند تا شاید آنهارا برای بار دیگر ابقاکنند و حتی یك لحظه نیز از دشنامگویی، بهتان‌زنی به‌حزب توده ایران‌که، ۳۸ سال پیگیرانه علیه امپریالیسم رزمیده است، فروگذار نمیکنند، وبراستی اینان چراباید «شهامت» بختیاررا بستایند که راه آنان راپیگیرتر رفت وچراباید از شکست قطعیٔ امپریالیسم افسوس بخوردندکه حنای فریب اینگونه عناصر را بکلی ببرنك ساخت؟ باتشکر ازع.ج. خواستاریم که همکاری خودرا با ما ادامه دهند .

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود

سندیکا یا شورا؟ یا هر دو؟

بحث درباره تشکیل سندیکا وشورا درکارخانه‌ها و موسسات تولیدی، ازجمله بحثهائی است که در دوران پس از انقلاب اذهان کارگران و برخی سازمانها و گروههای سیاسی را شدیداً بخود مشغول داشته است. موافقان تشکیل شوراها، ضرورت سندیکاها را مطلقاً نفی واینطور استدلال میکنند که،

«سندیکاها میخواهند درچارچوبی خاص، کارگران را به‌فعالیت صنفی محدودکرده وحرکت آنانرا فقط درحدافزایش دستمزد واعمال قدرت برکارفرما، برای کاستن ازفشار محیط‌کار نگهدارند.» ویا،

«سرمایه‌داران در قبال شوراهـا از سندیکاها حمایت میکنند تافعالیت سیاسی ـ ایدئولوژیك اینها را ازبین ببرند وحرکت کارگران را در چارچوب صنفی‌اش شکل‌دهند.» ویا،

«اینان (سرمایه‌داری وابسته) تلاش دارند تاباتجدید سندیکاهای گذشته، مانع پاگرفتن شوراها، که مناسب‌ترین نهاد برای جریانهای کارگری در مرحله فعلی انقلاب است بشوند.» ویا،

«سندیکا وطرز تفکر سندیکالیستی برای شرایط‌امروز مملکت محدود و ناقص است.» وغیره وغیره.

سندیکا چیست ووظایف آن کدامست؟ سندیکاهاسازمان های صنفی طبقه‌کارگرند که از حقوق ومنافع مشترك کارگران دفاع میکنند. مبارزه سندیکائی یکی از اشکال مبارزه طبقاتی کارگران علیه تسلط سرمایه است. وظیفه سندیکاها بطور خلاصه عبارتست از:

حمایت‌ازخواستهاومطالبات‌کارگران در برابرکارفرما، نظارت براجرای قوانین کار و بیمه، نظارت بردستمزدها، جلوگیری از اخراج‌کارگران، ایجادصندوق اعتصاب‌کارگران، تأسیس شرکت تعاونی، رسیدگی به‌وضع بیمه وبهداشت‌ووسایل ایمنی، تأسیس کلاسهای پیکار بابیسوادی، بالا بردن سطح‌دانش وآگاهی حرفه‌ای، اجتماعی وسیاسی‌کارگران، ایجادکتابخانه‌و سازماندهی جشن‌ها ، اعتصابها و نمایشهای، کارگران وغیره و غیره.

این استدلال که سندیکاها بدرد نمیخورند، چون فقط سازمانهای‌صنفی‌طبقه‌کارگرندوذهن‌طبقه‌کارگررا ازفعالیت‌سیاسی ـ ایدئولوژیك بازمیدارند، حداقل به‌دو دلیل صحیح نیست،اول اینکه سندیکاها سازمانهای سیاسی نیستند، ولی مبارزه صنفی کارگران بطل روشن ومعین، غالباً درچارچوب مطالبات‌صنفی زندانی نمیماند وکارگران، با آنکه در نخستین‌گام در برابر کارفرما ودر مخالفت بااستثمار سرمایه هستند، ولی ناگزیردر برابر دولت قرارخواهندگرفت ، که‌حامی سرمایه وبیانگر منافع سرمایه‌داران است . در این مقطع است که مبارزه صنفی به‌مبارزه سیاسی بدل میشود. دوم ـ کارگران برحسب گرایشهای سیاسی خود، فعالیت‌سیاسی ـ ایدئولوژیك خود رادر احزاب متمرکز میکنند وسندیکاها نمیتوانند جانشین احزاب شوند.

برخلاف استدلال مخالفان سندیکاها، سرمایه‌داران بهیچوجه مدافع سندیکاها نیستند، زیرا سندیکاها ازآغاز برای حمایت‌ازمنافع‌طبقه‌کارگردر برابرسلطه‌سرمایه‌وسودجوئی‌سرمایه‌داران بوجود آمدند ودرتمام سالهای موجودیت خودمبارزات درخشانی در راه حفظ منافع طبقه‌کارگر و علیه سلطه سرمایه انجام داده‌اند.

واما شوراها ـ شوراها دارای وظایفی جداازسندیکاها هستند. در یك‌کارخانه شورا درچارچوب دیگری، غیرازسندیکا عمل میکند. بطور مثال شوزا وظیفه افزایش سطح تولید، بهبود کیفیت تولید، نظارت برقیمتها ونظایر آن را برعهده دارد. برای‌انجام این‌وظیفه، کارگران نمایندگان سندیکائی‌خود را بعنوان کارخانه اعزام میدارند، تا آنها نیز مستقیماً در مدیریت‌کارخانه مشارکت داشته‌باشند ونمایندگان‌آنها بیانگر خواستهای‌کارگران درموارد پیش گفته باشند.

بدینسان‌شورا وسندیکا دونهاد مختلف‌هستند، که‌هریك درچارچوب وظایف خود عمل میکنند، هیچیك دیگری رانفی نمیکند وهیچیك جانشین دیگری نمیشود. دریك‌کلام، دریك کارخانه‌هم میتوان شورا داشت وهم‌سندیکا.

عده‌ای چنین استدلال میکنند که چون درگذشته سندیکاها بسودکارفرمایان ودر جهت پیشبرد مقاصد رژیم ضد کارگری عمل‌کرده‌اند، بدینجهت‌باید شوراها جانشین‌سندیکاها شوند. دراینجا به‌گفته آن‌کارگر آگاهی استناد میکنیم که‌در سمینار بررسی اقتصادی گفت،

«اگر درگذشته نام سندیکا شورا بود، حالا هم شورا موردتنفر بود. نباید بالغات بازی‌کرد. من‌هم‌عضو سندیکا هستم وهم‌عضو شورا.»

چرا ساواکی‌ها امیدوارند؟

درجریان محاکمه چهار نفر ازدژخیمان ساواك‌منحله، نماینده دادستان مطلبی اظهار داشت که موجب‌دلگرمی همه‌مبارزان‌میهن‌دوست‌است. اوگفت،

«بعضی‌ازمتهمان‌درددادگاه فکرمیکنند که‌اگردردادگاه بگویند که ما کمونیست‌ها را میکشتیم‌وبا آنهامبارزه‌میکردیم وبه شکنجه آنها میپرداختیم، درمجازات آنها تخفیف داده میشود. درصورتیکه چنین نیست، چون‌آنها نیزدرمبارزه باطاغوت ازجان‌خود گذشته بودند و این برای دادسرا ارزش‌دارد.»

(نقل‌ازکیهان‌ـ۴مهر ۱۳۵۸)

این گفته یك‌مقام رسمی، در یك مرجع رسمی، موجب نهایت مسرت ماست، زیرا سرانجام‌درجو ضدکمونیستی که‌برخی‌ها مصنوعاً ایجادکرده‌اند وبدازدامن‌میزنند، یك‌مرجع رسمی، برمبارزه گذشته کمونیستها باطاغوت، مهر تائید میزند وبرآن‌ارج‌مینهد.

اما راستی چرا ساواکیها تعقیب وشکنجه‌کمونیستها، حبس وتبعیدوکشتارآنان‌را ازمفاخر(۱) خود بحساب میآورند، بیشرمانه بآن‌اعتراف‌میکنند. وآنرا بعنوان موارد مخففه جرم(۱) در دادگاه مطرح میسازند؟ این‌درندگان‌ضد بشر، که رژیم جانورخوی شاه مخلوع‌بجان مبارزان‌انداخته‌بود، به‌چه‌جرات جرائم ننگین خودرا «خدمت» قلمداد میکنند؟ چرا نهرانی‌جلاد دردادگاه، آنهمه‌علیه کمونیستها دادسخن‌داد؟ چرانامه نوشت وتوصیه‌کرد که‌وجوداو برای شکنجه‌کمونیستها ضروری‌است و مصلحت آنست‌که او رازنده نگاه دارند؟

متاسفانه علت‌را باید در آن جوضدکمونیستی جست‌که‌درماههای اخیربوجود آمده است. دررادیو وتلویزیون گاه‌وبیگاه‌علیه«چپ» بطوراعم تبلیغ میکنند، روزنامه های وابسته به‌برخی جناحهـای حاکم انباشته‌اند ازحمله و اتهام به‌کمونیستها، دربیانات برخـی مقامات مسئول حمله به کمونیسم وکمونیستهاشنیده‌میشود،درسخنان ونوشته‌های محافل معینی هرجـا صحبت از امپریالیسم امریکا، دشمن‌عمده خلق ماست، سخن از «سوسیال‌امپریالیسم»، این‌اصطلاح رسوای اختـراعـی مائوئیستهـا می‌رود؛ هرگاه صحبت از تجاوز امریکا درمیان‌است، اتحادشوروی بی‌سبب مورد حمله قرارمیگیردو بدینسان مـاهیت جنایتکارانـه امپریالیسم امریکا لوث‌میشود.

درچنین شرایطی، ساواکیها بجای آنکه ازعواقب‌اعمال‌ننگین خود ازخشم‌خلق برخویشتن بلرزند، قوت قلب میهابند، آزادی عمل احساس میکنند، به‌کمونیست‌کشی خود افتخار میکنند و انتظار دارند مورد عفوقرار گیرند . در جو مساعد ضدکمونیستی است که این دشمنان سوگند خورده همه انقلابیون، از جمله و بـویژه کمونیستها، بردردیوار شهرشمار های ضدکمونیستی می‌نویسند، در صفوف تظاهرات ونمایشهای‌مردم شعارهای ضد کمونیستی فریاد می‌کشند، درلباس یك انقلابی دو آتشه مذهبی، اسلام را در برابر کمونیسم‌قرار میدهند ومردم‌ساده دل را برضدکمونیستها تحـریك میکنند ودرمحل‌کار وزندگی خود علیه کمونیستها، به راحتی تبلیغ میکنند.

بدون تردید، اگر مانند دوران نخستین پس‌از پیـروزی انقلاب، ساواکیها بـا پیگیری تعقیب، بازداشت، ومجازات شده بودند، اگرگروه گروه آزادنمی شدند، اگر صفوف انقلاب و ضد انقلاب ازهم متمایز بود وکسانی این صفوف‌را، منطبق باگرایش‌های ضدکمونیستی خود، به عمد آشفته ودر هم نمی‌ساختند، اگر دوستان ودشمنان انقلاب مشخص میشدند وکسانی آگاهانه دوستان صادق‌انقلاب‌رازیرضرب‌نمیگرفتند ودشمنان قسم‌خورده انقلاب را از زیرضربه‌خارج نمی‌ساختند، آنوقت چنین نبودکه ساواکیها بدون‌شرم به‌جنایات خود درباره کمونیستها بنازند واین جنایات را«خدمت» وانمودکنند.

جوضد کمونیستی کنونی‌بهر بهانه وبهرشکلی وازجانب‌هرکس تشدید شود، خواه ناخواه بزیان انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم ایران است،زیرا کمونیستهای واقعی قاطع ترین مبارزان ضد امپریالیست و ضد دیکتاتوری هستند وتبلیغ واقدام علیه آنها، تضعیف صفوف‌انقلاب و تقویت ضد انقلاب است. این واقعیت‌را لااقل وبویژه کسانی‌که ناآگاهانه‌دراین‌راه‌گام‌برمیدارند باید درنظر داشته باشند.

در مطبوعات کشور

خوانندگان گرامی

خواندن مطالب مهم وجالب همه روزنامه‌ها ـ هرقدر هم‌که لازم باشد ـ برای همه‌کس مقدور نیست . نه‌وقت هست ونه امکان. ولی دربسیاری ازجراید، خبرهاومطالب مهم وجالبی نوشته میشود وشخصیت‌هاودست‌اندرکاران درزمینه‌های سیاسی واقتصادی و فرهنگی وغیره اظهار نظرهائی می‌کنند وارگانهای مسئول تصمیماتی رامنتشر میسازندکه‌آگاهی برآنها لازمست.

خواننده«مردم»میل‌داردوحق‌دارد که‌دستکم‌باحداقلی‌ازاین‌اظهار ـ نظرها و موضعگیری‌ها واخبار، که درسایر جراید انتشارمی‌یابد، آشنا شود . اینست‌که ـ بدون ادعای دربرگیری همه مطالب ـ و تنها درهمان مرز «حداقل» وتنها برای بازتاب مسائلی‌که در جهت عمومی پیشبرد انقلاب است ، یاآشنائی باآنها روشن‌بینی بیشتری برای‌مبارزه درراه‌پیشبرد انقلاب میدهد، شمارابخواندن ستون جدید «درمطبوعات‌کشور» دعوت می‌کنیم ، ناگفته روشن است‌که چنین شرطی وجود نداردکه دقیقا وکاملا بانظروعقیدهٔ ما تطبیق‌کند .

خود شما هم بابریدن قطعات روزنامه‌ها وفرستادن مطالبی‌که به‌نظرتان مهم می‌آید (منتهی هرچه سریعتر وباذکر دقیق نام نشریه وتاریخ انتشار) می‌توانید به‌ما درتنظیم این ستون یاری رسانید .

نباید زیر پوشش تعالیم اسلامی بر نظام گذشته مهرتاییدزد

داریوش‌فروهر، وزیرمشاور درسمینار بررسی‌سیاست اقتصادی سخن‌گفت وتأکید کرد که نباید زیرپوشش تعالیم اسلامی برنظام گذشته مهر تائیدزد.

فروهر درآغاز سخنان خود گفت، «انقلاب اسلامی‌ملت ایران دارای ویژگی‌هائی‌بود وخواست هائی داشت، مسأله‌استقلال ملی‌و کلیه وجوهش، استقلال سیاسی، استقلال اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مسأله‌تأمین‌آزادی‌های فردی واجتماعی‌مردم»،

فروهر اضافه کرد، کلیـه کسانی که به‌استقرار جمهـوری اسلامی‌رای داده‌اند، بی‌شك اینها رابطورکامل میخواستند، وچنین ظرفیتی رابرای جمهوری اسلامی قائل بودند که این خواست‌ها را برآورده‌کند.

فروهر در قسمت دیگری از سخنان خودگفت،«من در اینجـا بخشی ازیك گزارش مقدماتی در تعیین سیاست‌های اقتصـادی و اجتماعی، جمهوری‌اسلامی ایران را برایتان میخوانم تا ببینیـد انقلاب اسلامی ایران به‌چه‌شکل بـا تعـاریف دارد از مسیـر ضداستعماری‌اش دور میشود... کوششهائی هست تادرزیرپرده‌ی الفاظ، ماهیت انقلاب‌اسلامی ملت ایران،که درآن‌بی‌شك بیش‌ازهر چیزدرتعالیم دینی‌ما باصالت کار توجه‌شده‌است، نادیـده انگاشته شود.»

فروهردرپایان از سخنانش چنین‌نتیجه‌گیری کرد، «می‌بینیم که‌داریم زیرپوشش تعالیم اسلامی می‌رویم که زیرنظام‌های گذشته تائیدهائی‌میگذاریم.»

(اطلاعات‌ـ سوم‌مهر)

اتحادشوروی درحوادث کردستان دخالت ندارد

حجت‌الاسلام حسین عمادی، نماینده دفتر تبلیغات امام‌خمینی، در مصاحبه‌ای با خبرنگاران و نمایندگان خبرگزاری‌های‌محلی درکراچی گفت،«آمریکاواسرائیل محرك‌اصلی اغتشاشات‌درکردستان بوده‌اندنه‌روسیه‌شوروی.درحالیکه آمریکا چنین‌وانمودمیسازد گویا شوروی این‌اغتشاش‌را برانگیخته است.

(کیهان‌ـ چهارم‌مهر)

مردم ـ سخنان‌صریح‌نماینده دفتر تبلیغات امـام درکراچی و همچنین سخنان دکتر مکری‌سفیر ایران درشوروی وسخنان‌آیت‌اله خلخالی نشان میدهد کـه اتحاد شوروی ـ چنانکه برمردم‌ایران روشن است ـ درحوادث‌کردستان دخـالت نـداشته وندارند. این سخنان‌ضمناً نشان میدهدکه‌چگونه امپریالیسم خونخوار آمریکا در نقاط مختلف‌کشورما آتش می‌افروزد ودر همـانحال سعی دارد چنین وانمود کندکه‌گویا اتحاد شوروی مقصر بـوده است. این سخنان جواب قاطعی است به‌آن افراد بی‌مسئولیت وراست‌افراطی که میکوشند آمـریکا را از زیر ضربه خارج‌کنند واتحاد شوروی و کمونیستهـا را جانشین آن سازند.

منابع‌اطلاع بایدپاکسازی شود

در جهانی کـه کم و کیف اطلاعاتی که در دسترس رهبران قرار می‌گیرندواساس تصمیم‌های کوچك وبزرك واقع میشوند، در معرض‌همه‌گونه‌خدشه است، منابع اطلاع، اهمیت تعیین کننده پیدا میکنند. رهبری انقلاب بایدتوجه اول واصلی خود را متوجه پاك و گسترده‌کردن‌مجاری اطلاع‌سازد.

(انقلاب اسلامی ـ اول‌مهر)

مبارزه‌امپریالیسم امریکابا اسلام انقلابی

خواست امپریالیسم جهانی، بـه‌سرکردگی آمریکا، در مقطع کنونی، برای‌حفظ منافع‌اقتصادی و مبارزه بااسلام انقلابی، تقویت نیروهای‌ارتجاعی‌وحاکمیت‌عناصر وجریان‌های‌فرتوت‌وسازشکاراست، تا از یـك طرف نیروهای اصیل انقلابی‌را واپس‌راند، واز طرفی باحاکمیت آن‌عناصر غیرانقلابی وضدانقلابی، بعنوان‌رهبران‌مکتب انقلابی، بنام مکتب، اسلام را از پویائی‌ومحتوای‌انقلابی‌اش‌بیرون آورد،

(امت ـ ۲۸ شهریور)

مبارزه باکمونیسم یك‌شعار انحرافی است

بیمهنم بعد از سقوط رژیـم منحط و ضد توحیدی و پیروزی نسبی که‌بدست‌آورده‌ایم،چه‌کسانی طراح شعارهای انحرافی‌اند . چه کسانی بـا استقرار قوانین طراز مکتب مخالفت پنهانی یـا حتی آشکار مـی‌کنند. اگر بطورکلی جواب دهیم اینست که این افراد آنهایندکه بهرنحوی از انحا بر موقعیت اجتماعی، منافع‌اقتصادی وکانال‌بهره‌کشی‌شان‌درحال‌انسداد است. پس چـاره چیست ؟ طرح شعارهـای انحرافی و سوقدادن حرکت خلق به کوره‌راهها. یکی ازاین شعارهای انحرافی مبارزه باکمونیسم است. این افـراد بـا صرف هزینه‌هاوکوك عناصرنادان یامغرض، ازکمونیسم در اذهـان توده‌ها غولی هفت‌شاخ میسازند و بعد باانواع ابزار ووسایل روی این مساله تبلیغات وجاروجنجال براه می‌اندازند.

(امت ـ ۴مهر)

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی ودمکراتیك‌مردم ایران باشد